

خرداد ۱۴۰۱
مسلسل: ۱۸۲۶۳

**بررسی وضعیت حکمرانی آموزش عالی ۱۰ کشور دنیا از نظر
مؤلفه‌های ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت
و ارائه رویکردهای سیاستی**





مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۸۲۶۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی وضعیت حکمرانی آموزش عالی ۱۰ کشور دنیا از نظر مؤلفه‌های ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت و ارائه رویکردهای سیاستی

نام دفتر: مطالعات فرهنگ و آموزش

تهیه و تدوین کننده: هادی یوسفی

اظهار نظر کننده: محمد عبدالحسین زاده

ناظران علمی: موسی بیات، کمیل قیدرلو

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. حکمرانی آموزش عالی
۲. ساختار اداری آموزش عالی
۳. تأمین مالی آموزش عالی
۴. ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی

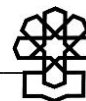


تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۳/۲۸

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۱ | خلاصه مدیریتی |
| ۲ | مقدمه |
| ۳ | مرور تجارب جهانی |
| ۳ | ۱. آلمان |
| ۶ | ۲. فرانسه |
| ۸ | ۳. استرالیا |
| ۱۱ | ۴. انگلستان |
| ۱۴ | ۵. ایالات متحده آمریکا |
| ۱۶ | ۶. کره جنوبی |
| ۱۸ | ۷. ژاپن |
| ۲۱ | ۸. چین |
| ۲۳ | ۹. کانادا |
| ۲۵ | ۱۰. هلند |
| ۲۸ | بررسی مؤلفه‌های ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی ایران |
| ۳۲ | بحث و نتیجه‌گیری |
| ۳۵ | منابع و مآخذ |



بررسی وضعیت حکمرانی آموزش عالی ۱۰ کشور دنیا از نظر مؤلفه‌های ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت و ارائه رویکردهای سیاستی

خلاصه مدیریتی

طی دهه‌های گذشته حکمرانی نظام‌های آموزش عالی از اهمیت بسیاری برای سیاستگذاران برخوردار شده است. دلیل این اهمیت را اقتصاد دانش‌بنیان و تأثیر دانش بر پیشرفت و توسعه کشورها در ابعاد مختلف می‌توان عنوان کرد. از همین نظر کشورهای مختلف، با توجه به زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود تدابیر متفاوتی را برای این مهم اندیشیده و به کار برده‌اند. با هدف آگاهی از این تدابیر، در گزارش حاضر وضعیت حکمرانی نظام‌های آموزش عالی در ۱۰ کشور دنیا شامل آلمان، فرانسه، انگلستان، استرالیا، ایالات متحده آمریکا، کره جنوبی، ژاپن، چین، کانادا و هلند از نظر سه مؤلفه ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت مورد بررسی قرار گرفته است و بر آن اساس دلالت‌های سیاستی برای نظام آموزش عالی ایران ارائه شده است که مهم‌ترین آنها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- با توجه به فرابخشی بودن حوزه آموزش عالی و پیچیدگی قابل ملاحظه آن، کارآمدی نظام حکمرانی این حوزه به کارآمدی مؤلفه‌ها و عناصر متفاوتی بستگی دارد، از این منظر به منظور ایجاد تحول در حکمرانی نظام آموزش عالی نیاز است تا با اتخاذ رویکردی جامع‌نگر از طریق بسته‌های سیاستی به صورت هم‌زمان و هم‌افزا به اصلاح عناصر و مؤلفه‌های مرتبط اقدام کرد، تا احتمال موفقیت در دستیابی به اهداف افزایش یابد.

- ساختار اداره کردن نظام‌های آموزش عالی در بیشتر کشورهای مورد بررسی به صورت ترکیبی از نوع متمرکز و غیرمتمرکز است. به طوری که در کشورهای دارای دولت فدرال، وزارتخانه‌ها مسئولیت سیاستگذاری را داشته و چارچوب کلی عملکرد نظام آموزش عالی در سطح کلان را مشخص می‌کنند و ایالت‌ها یا استان‌ها با استفاده از اختیارات و ظرفیت‌های منطقه‌ای در سطحی پایین‌تر این مهم را به انجام می‌رسانند. به عبارت دیگر توجه به اختیارات و ظرفیت‌های منطقه‌ای در اداره کردن نظام آموزش عالی عنصری مهم است که با توجه به اسناد بالادستی همچون سند آمایش آموزش عالی و «سیاست‌ها و ضوابط اجرایی حاکم بر آمایش آموزش عالی در جمهوری اسلامی» زمینه‌های آن نیز تا حدودی فراهم است.

- به طور کلی روند اداره نظام‌های آموزش عالی در کشورهای بررسی شده نشان‌دهنده تغییر رویکرد دولت‌ها در شیوه اداره کردن و کاهش تصدی‌گری در این حوزه به طرق مختلف است، به گونه‌ای که به جای دخالت مستقیم، استفاده از ابزارهای سیاستی مرتبط با تأمین مالی و ارزیابی و نظارت برجسته‌تر شده است.

- از نکات برجسته در ساختار اداری برخی از کشورهای مورد بررسی، وجود یک وزارتخانه برای اداره حوزه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی (به‌ویژه آموزش پزشکی و غیرپزشکی) و حتی در برخی موارد امور مربوط به جوانان و ورزش است که می‌تواند به انسجام بیشتر در فرایند سیاستگذاری، وحدت و هماهنگی در اهداف و برنامه‌ها، ارتباط

مستحکم‌تر نهادها در زمان اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها و دستیابی به نتایج نزدیک‌تر به اهداف از پیش تعیین شده منجر شود.

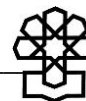
- نتایج ارزیابی‌های صورت گرفته از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی اغلب به‌عنوان مبنایی برای تخصیص منابع به آنها در نظر گرفته می‌شود که این مهم نشان‌دهنده کارکرد بی‌بديل نهاد ارزیابی در نظام‌های آموزش عالی است. با توجه به تخصیص منابع مالی دانشگاه‌ها به شیوه سرانه‌محوری در ایران و لزوم تخصیص بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، نبود نهاد ارزیابی و تضمین کیفیت ملی که نتایج ارزیابی‌های آن بدین‌منظور به‌کار گرفته شود، یکی از حلقه‌های مفقوده در حکمرانی آموزش عالی کشورمان است.

- تأمین مالی برحسب فعالیت، می‌تواند یکی از شیوه‌های تأمین مالی آموزش عالی ایران (در بخش دولتی) مطرح شود، که در آن دولت هزینه‌های فعالیت‌های آموزشی را (از طریق اعطای وام‌های بلندمدت به دانشجویان) متقبل شده و دانشگاه‌ها خود تأمین‌کننده هزینه‌های پژوهشی (به‌ویژه پژوهش‌های کاربردی) از طریق قرارداد با صنعت و ... باشند. در این نوع از تأمین مالی (فعالیت‌های آموزشی) از آنجا که متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها در نهایت ملزم به پرداخت هزینه تحصیل می‌باشند، انتظار می‌رود به‌صورت هدفمند اقدام به ورود به دانشگاه و انتخاب رشته تحصیلی کنند و با توجه به خودکفایی کشور در تأمین نیروی انسانی، هزینه اضافی بر دولت تحمیل نشود.

- موضوع نظارت و ارزیابی تنها محدود به کارکردهای آموزشی و پژوهشی نبوده و می‌تواند شامل نظارت حقوقی (نظارت بر نقض قانون توسط دانشگاه‌ها)، نظارت بر چگونگی مدیریت کارکنان، مدیریت اقتصادی (آیا اقدام‌های انجام شده از نظر اقتصادی کارآمد بوده و آیا اهداف محقق شده‌اند؟) نیز شود. از سوی دیگر در اغلب نظام‌های آموزش عالی نهادهای مختلفی به امر ارزیابی دانشگاه‌ها می‌پردازند، اما در نهایت یک نهاد مسئولیت اصلی ارزیابی و تضمین کیفیت را برعهده دارد که عملکرد آژانس‌ها را رد یا تأیید می‌کند.

مقدمه

راهبری و اداره کردن نظام آموزش عالی به‌دلیل گستردگی زیرنظام‌ها، عناصر و وجود ذی‌نفعان متعدد یکی از پرچالش‌ترین حوزه‌های این بخش است. هدایت کردن یا به‌عبارت‌دیگر حکمرانی آموزش عالی شامل مؤلفه‌های متعددی است که سه مؤلفه ساختار اداره‌کرد، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت از حیاتی‌ترین و تأثیرگذارترین آنها هستند (دوبینز^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) که اثربخشی آنها بر سایر زیرنظام‌ها در تحقیقات مختلفی نشان داده شده است. از سوی دیگر آسیب‌شناسی نظام حکمرانی آموزش عالی کشور نیز نشان می‌دهد سه حوزه فوق از نقاط گلوگاهی و مورد بحثی است که بسیاری از کژکارکردی نظام آموزش عالی را می‌توان به آنها نسبت داد. ضعف در انسجام سیاست‌گذاری، مأموریت محور نبودن نظام دانشگاهی، مشخص نبودن کیفیت عملکرد دانشگاه‌ها، مشخص نبودن نحوه بودجه‌ریزی و هزینه‌کرد در نظام آموزش عالی را می‌توان از جمله این کژکارکردی‌ها اشاره کرد. از سوی دیگر اسناد بالادستی نیز به‌صورت مکرر سه مؤلفه فوق را مورد توجه قرار داده است که برخی از نمونه‌های آن در ادامه اشاره می‌شود:



- راهبرد کلان ۱ نقشه جامع علمی کشور، «اصلاح ساختارها و نهادهای علم و فناوری و انسجام بخشیدن به آنها»؛ «تعیین حدود مدیریت و مالکیت فکری در حوزه‌های علم و فناوری (راهبرد ۳)»؛ «اصلاح فرایندها و ساختارهای نظارت و ارزیابی علم و فناوری (راهبرد ۶)» و «سامان‌دهی نظام تأمین مالی توسعه علم و فناوری (راهبرد ۷)»؛ بند «۱۱» و «۱۲» راهبرد کلان ۱ تحت عنوان «طراحی نظام کارآمد برای نظارت، ارزیابی و استقرار نظام‌های جامع رتبه‌بندی و تضمین کیفیت نهادهای علمی، فناوری و نوآوری (بند «۱۱» اقدام ملی» و «سامان‌دهی و پویاسازی و تسهیل نظام تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی با حفظ ارزش‌ها و رعایت استانداردهای مربوطه (بند «۱۲» اقدام ملی)؛ - راهبرد کلان ۶ «تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی...»؛ «انسجام‌بخشی و تقویت یکپارچگی در سیاستگذاری، نظارت و اعتبارسنجی در نظام آموزش عالی کشور (راهبرد ملی ۲)»؛ «ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزشیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی تحت نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی (اقدام ملی ۹)».

- سیاست‌های کلی علم و فناوری: بند «۲» «بهبودسازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به‌منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی» و بند «۲-۳» «سامان‌دهی و تقویت نظام‌های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی در حوزه‌های علم و فناوری».

در این بین برخی کشورها و نظام‌های آموزش عالی براساس شاخص‌های نظام‌های رتبه‌بندی دانشگاهی موفق‌تر از سایر کشورها عمل کرده‌اند که می‌توان عملکرد موفق آنها را از عوامل مختلفی متأثر دانست، اما روشن است که نظام حکمرانی آنها نقش ویژه‌ای در این زمینه داشته است. بدین‌منظور به بررسی مؤلفه‌های سه‌گانه فوق در این دسته از کشورها پرداخته شده است. معیارهای دیگری که برای انتخاب کشورها در نظر گرفته شد عبارت بودند از توجه به تنوع جغرافیایی (از قاره‌های مختلف) و میزان نفوذ علم در صنعت و بخش‌های مختلف کشورها که از این منظر نیز جایگاه قابل قبولی داشته‌اند.

مرور تجارب جهانی

۱. آلمان

الف) ساختار

جمهوری فدرال آلمان با ۱۶ ایالت در قلب اروپا قرار داشته و با ۹ کشور همسایه است. قانون اساسی این کشور درباره اداره امور مربوط به آموزش، علوم و فرهنگ تصریح می‌کند که مسئولیت اصلی قانونگذاری و اداره امور مرتبط برعهده لندرها^۱ یا همان ایالت‌هاست و وزارت آموزش و تحقیقات فدرال^۲ در سطح ملی این مسئولیت را برعهده دارد.^۳ این بدین معنی است که مسئولیت سیستم آموزش بین فدراسیون و لندرها تقسیم شده است. دامنه مسئولیت‌های دولت فدرال

1. Länder

2. Bundesministerium für Bildung und Forschung

3. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/political-social-and-economic-background-and-trends-31_en

در زمینه آموزش در قانون اساسی تعریف شده است.^۱ از این رو به جز مواردی که قانون اساسی اختیارات قانونگذاری را به فدراسیون اعطا کرده، لندرها حق قانونگذاری دارند. باین حال وزارت آموزش و تحقیقات فدرال شامل هفت اداره کل به شرح زیر است:

۱. اداره کل مسائل و استراتژی‌های سیاستی؛^۲
۲. اداره کل همکاری‌های اروپایی و بین‌المللی در آموزش و پژوهش؛^۳
۳. اداره کل آموزش عمومی و آموزش حرفه‌ای، یادگیری مادام‌العمر؛^۴
۴. اداره کل نظام آموزش عالی و پژوهش؛^۵
۵. اداره کل تحقیقات دیجیتالی شدن و نوآوری؛^۶
۶. اداره کل علوم زندگی؛^۷
۷. اداره کل تأمین آینده (تحقیقات بنیادین و تحقیقات برای توسعه پایدار)؛^۸

این نوع اداره کردن امور از سال ۱۹۴۵ و با کنفرانس دائمی وزرای آموزش،^۹ علوم و امور فرهنگی شروع شده است که از آن به‌عنوان عامل تعیین‌کننده توسعه سیستم آموزش در آلمان یاد می‌شود.^{۱۰} این کنفرانس از طریق توافق‌نامه‌ها و با انجام اقدامات اداری هماهنگ، به تضمین یک ساختار آموزش عالی و توسعه مداوم آن کمک می‌کند. این کنفرانس بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در حوزه آموزش شناخته می‌شود و تصمیمات اتخاذ شده توسط آن برای همه ایالت‌ها لازم‌الاجراست. این مجمع جزئی از دولت فدرال آلمان محسوب نمی‌شود، از این رو نیاز است تا تصمیمات آن ابتدا تبدیل به قوانین ایالتی شده تا در سطح ایالت اجرایی شود.

ب) تأمین مالی

مؤسسه‌های آموزش عالی دولتی، به‌استثنای تعداد اندکی توسط ایالت‌ها تأمین مالی می‌شوند. روش تأمین مالی معمولاً چندین مرحله را شامل می‌شود: ابتدا مؤسسه آموزش عالی نیاز خود را به‌صورت تخمینی اعلام می‌کند تا در بودجه ایالت گنجانده شود. کل بودجه آموزش عالی بدین‌شکل با همکاری سایر وزارتخانه‌های درگیر^{۱۱} توسط وزیر ذی‌صلاح تدوین شده و سرانجام در پیشنهادهای بودجه‌ای که دولت برای تصویب آن به مجلس ارائه می‌کند، گنجانده می‌شود.

۱. براساس بند «۱» از اصل (۷۰)، ذیل فصل هفتم قانون اساسی آلمان (قانونگذاری فدرال)، حدود صلاحیت قانونگذاری ایالت‌ها تا جایی است که مطابق این قانون در صلاحیت قانونگذاری دولت فدرال قرار نداشته باشد. در همین رابطه و براساس بند «۲» اصل (۷۲) قانون اساسی این کشور فدراسیون در حوزه‌های مربوط به اصل (۷۴) - که آموزش نیز جزئی از آن است - تا زمانی و تنها تا جایی حق وضع قانون دارد که فراهم ساختن شرایط زندگی متعادل در قلمرو فدرال و یا نگهداری وحدت حقوقی و اقتصادی به نفع تمام کشور، وضع چنین قانون فدرالی را ضروری سازد.

2. Directorate-General: Policy Issues and Strategies

3. Directorate-General 2: European and International Cooperation in Education and Research

4. Directorate-General: General Education and Vocational Training; Lifelong Learning

5. Directorate-General: Higher Education and Research System

6. Directorate-General: Research for Technological Sovereignty and Innovation

7. Directorate-General: Life Sciences

8. Directorate-General 7: Provision for the Future - Basic Research and Research for Sustainable Development

9. Kultusministerkonferenz, Conference of Ministers of Education

10. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/administration-and-governance-central-and-or-regional-level-31_en

۱۱. این وزارتخانه‌ها شامل: ۱. وزارت خارجه فدرال مسئول سیاست فرهنگی خارجی از جمله مدارس آلمانی در خارج از کشور؛ ۲. وزارت کشور، ساختمان و جامعه فدرال، مسئول قانونگذاری در مورد حقوق و وظایف مربوط به وضعیت کارمندان دولت؛ ۳. وزارت دادگستری و حمایت از مصرف‌کننده فدرال مسئول قانون ورود به حرفه‌های حقوقی؛ ۴. وزارت کار و امور اجتماعی فدرال مسئول اقدامات در جهت اشتغال و تحقیقات شغلی و بازار کار؛ ۵. وزارت بهداشت فدرال مسئول مقررات مربوط به ورود به حرفه‌های پزشکی و پیراپزشکی و ۶. وزارت همکاری و توسعه اقتصادی فدرال، مسئولیت ادامه آموزش و توسعه بین‌المللی را برعهده دارد.



بودجه پس از بحث و بررسی در مجلس و تصویب آن در دسترس خواهد بود. اما ایالت وجوه را براساس الزامات درون مؤسسه‌ها توزیع می‌کند و به‌شدت نیز بر چگونگی مصرف آن نظارت دارد. در نوعی از بودجه‌ریزی برای مؤسسه‌های آموزش عالی در آلمان، در برخی از ایالت‌ها، توافق‌نامه‌هایی به‌منظور توسعه و تأمین اعتبار برای مؤسسه‌های آموزش عالی بین ایالت و مؤسسه‌ها برای مدت چند سال تنظیم می‌شود. در این توافق‌نامه‌ها اهداف ایالت، توسعه ساختاری مؤسسه‌های آموزش عالی، برنامه‌های گسترش، عملکرد استراتژیک و ... با در نظر گرفتن وظایف تعیین شده از سوی قوانین، نوع و میزان بودجه دولت برای مؤسسه‌های آموزش عالی و توسعه بیشتر مدیریت بودجه دیده شده است. این روش با هدف افزایش امنیت برنامه‌ریزی مؤسسه‌های آموزش عالی انجام می‌شود. همچنین موضوع تقویت استقلال مؤسسه‌های آموزش عالی در دهه‌های اخیر به تغییر پارادایم از کنترل دقیق دولت به اقدام خودمسئولانه مؤسسه‌های آموزش عالی در حوزه مالی منجر شده است. اصلاحات در درجه اول به روش‌های توزیع بودجه مربوط بود. از این رو از پارامترهای مرتبط با عملکرد، با در نظر گرفتن معیارهایی مانند تعداد دانشجویان (در دوره استاندارد تحصیل)، تعداد کل فارغ‌التحصیلان و سطح بودجه خارجی استفاده شد. به این وسیله ساختارهای حکمرانی مؤسسه‌های آموزش عالی تقویت شده و استقلال مالی آنها نیز افزایش یافته است.^۱

ج) ارزیابی، نظارت و تضمین کیفیت

نظارت بر عملکرد مؤسسه‌های آموزش عالی در آلمان از سوی وزارت آموزش، علوم و فرهنگ و همچنین ایالت‌ها صورت می‌پذیرد. این ارزیابی را آژانس‌های ارزیابی در سطح منطقه‌ای و ایالتی یا شبکه‌ها یا انجمن‌های مؤسسه‌های آموزش عالی انجام می‌دهند که همه ایالت را پوشش می‌دهند. شورای علوم نیز مسئول نظارت و اعتبارسنجی مؤسسه‌های غیردولتی است. نظارت شامل چندین شکل است. نظارت حقوقی شامل همه فعالیت‌های مؤسسه‌های آموزش عالی است. در این نوع نظارت بررسی می‌شود که آیا مؤسسه آموزش عالی با اقدام‌های خود، موجب نقض قوانین شده است یا خیر. همچنین در نوع دیگری از نظارت به بررسی اموری مانند مدیریت کارکنان و مدیریت اقتصادی، بودجه و مالیه و به‌طور کلی سامان‌دهی مؤسسه آموزش عالی و مؤسسه‌های وابسته به آن پرداخته می‌شود. در این نوع ارزیابی که در سطح ایالت انجام می‌شود بررسی می‌شود که آیا اقدام‌های انجام شده از نظر اقتصادی کارآمد بوده و آیا اهداف محقق شده‌اند؟ کارایی اقتصادی را نیز دفتر حسابرسی ایالت مربوطه کنترل می‌کند. وظایف تعیین ظرفیت آموزشی و تعیین ارقام پذیرش نیز تحت نظارت نهاد نظارت‌کننده بر آموزش عالی قرار دارد، در این مورد اغلب مقررات در مورد ارقام پذیرش صادر می‌شود^۲ که استفاده از ظرفیت کامل وابسته به محدودیت‌های بودجه‌ای و امکانات موجود، کیفیت تحقیق و تدریس و عملکرد مناسب عملکردهای مؤسسه به‌ویژه در تحقیقات است. در آلمان از یک سیستم ارزیابی دو لایه جهت ارزیابی مؤسسه‌های آموزش عالی استفاده می‌شود که ترکیبی از ارزیابی داخلی (درونی) و بیرونی است. ارزیابی درونی به‌طور سیستماتیک به تجزیه و تحلیل آموزش و تدریس و در نظر گرفتن پژوهش می‌پردازد که هر دانشکده به‌طور مستقل آن را انجام می‌دهد. اما ارزیابی‌های بیرونی به‌صورت بررسی همتایان انجام می‌شود. یعنی در سطح ایالت یا وزارتخانه توسط متخصصان مورد اعتماد سایر مؤسسه‌های آموزش عالی، مؤسسه‌های تحقیقاتی یا جامعه تجارت در

1. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-funding-31_en

۲. یعنی ضوابطی که براساس آنها ظرفیت پذیرش دانشجویان هر دانشگاه مشخص می‌شود.

فواصل زمانی مختلف این مهم صورت می‌پذیرد. نتایج این ارزیابی‌ها در سطح گسترده‌ای در ایالت‌ها به‌عنوان مبنایی برای تخصیص منابع به مؤسسه‌های آموزش عالی در نظر گرفته می‌شوند.^۱

۲. فرانسه

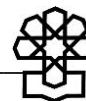
الف) ساختار

فرانسه یک جمهوری دمکراتیک است که رئیس دولت آن، رئیس‌جمهور است که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود. رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و سایر اعضای کابینه را انتخاب می‌کند. نهادهای اصلی تصمیم‌گیر در این کشور عبارتند از: نهاد ریاست جمهوری، دولت و پارلمان. این نهادها مسئول توسعه و اجرای سیاست‌های ملی هستند.^۲ فرانسه دارای ۱۳ منطقه، ۱۰۱ بخش و ۳۵ هزار شهرداری است. هرچند این کشور دارای یازده زبان محلی است، اما زبان رسمی، زبان فرانسه است. در سال ۲۰۱۹ جمعیت فرانسه ۶۷ میلیون نفر بوده است که ۱۵/۸ میلیون نفر را دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دادند. از این تعداد نیز سهم دانشجویان ۲/۷ میلیون نفر است.^۳

نظام آموزش عالی فرانسه با همزیستی مؤسسه‌های متعددی که به ارائه آموزش عالی مشغول هستند مشخص می‌شود. آنها به دسته‌های حقوقی مختلفی تعلق دارند که در قانون آموزش فرانسه تعریف شده است: دانشگاه‌ها؛ مدارس و مؤسسه‌های خارج از دانشگاه؛^۴ مؤسسه‌های آموزش عالی، مدارس فرانسوی خارج از کشور، مؤسسه‌های اصلی؛^۵ جوامع دانشگاهی و مدارس.^۶ این مؤسسه‌ها دوره‌های متنوعی را با اهداف و شرایط پذیرش مختلف ارائه می‌دهند.^۷ طبق چارچوب کلی که قانونگذار تعیین کرده، تعریف و اجرای سیاست‌های آموزشی در فرانسه برعهده دولت است. به‌طور کلی دولت به‌عنوان بازیگر کلیدی در حکمرانی نظام آموزشی فرانسه به‌شمار می‌رود. بدین‌گونه که در سطح ملی، دولت سیستم آموزشی را با دو بخش (آموزش و پرورش و آموزش عالی) اداره می‌کند. بدین‌ترتیب دولت نقش مهمی در حکمرانی نظام آموزشی فرانسه ایفا می‌کند، چراکه طبق سنت این کشور، سیستم آموزشی آن متمرکز است. وزارت آموزش عالی، تحقیقات و نوآوری که مسئول اصلی حوزه آموزش عالی در فرانسه است، دارای بخش‌های زیر است:

- اداره آموزش عالی عمومی و حرفه‌ای؛^۸
- اداره تحقیقات و نوآوری؛^۹
- دبیرخانه عمومی، شامل: اداره کل منابع انسانی، اداره امور مالی، اداره امور حقوقی، اداره ارزیابی، برنامه‌ریزی و عملکرد، اداره ارتباط و همکاری اروپایی و بین‌المللی، اداره ارتباطات، واحد فناوری و سیستم‌های اطلاعاتی.

1. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/national-qualifications-framework-31_en
 2. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/main-executive-and-legislative-bodies_en
 3. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/political-social-and-economic-background-and-trends_en
 4. Schools and institutes outside of universities
 5. Higher Education Institutions, French Schools Abroad and "Grands Établissements" (Major Institutions)
 6. Communities of Universities and Schools
 7. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/organisation-education-system-and-its-structure_en
 8. Office of General and Vocational Higher Education
 9. Office of Research and Innovation



ب) تأمین مالی

در فرانسه چند بازیگر در تأمین مالی نظام آموزشی حضور دارند: دولت، مقامات محلی، خانوارها و شرکت‌ها. در سال ۲۰۱۹ کل بودجه آموزش فرانسه برابر با ۱۶۱ میلیارد یورو بوده است که ۶/۶ درصد از کل بودجه این کشور را شامل شده است. همچنین دولت با ۵۷٪ مشارکت در تأمین آن به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی شناخته می‌شود و پس از آن مقامات محلی و منطقه‌ای با ۲۳٪، خانوارها با ۷٪ و شهرداری‌ها با ۱۲/۵٪ از دیگر تأمین‌کنندگان منابع مالی این حوزه به‌شمار می‌روند. اما بودجه آموزش عالی که در قانون بودجه دولت نیز می‌آید، تنها در اختیار وزارت آموزش عالی، تحقیقات و نوآوری نیست و بین ۶ وزارتخانه مربوطه تقسیم می‌شود. این وزارتخانه‌ها عبارتند از: وزارت آموزش ملی، وزارت آموزش عالی، تحقیقات و نوآوری، وزارت اکولوژی^۱، توسعه پایدار و انرژی، وزارت اقتصاد، صنعت و فناوری‌های دیجیتال، وزارت دفاع، وزارت فرهنگ و ارتباطات و وزارت کشاورزی، مواد غذایی و جنگل‌ها. براساس قانونی که در سال ۲۰۰۷ تصویب شد، دانشگاه‌ها در مدیریت بودجه‌های خود خودمختار بوده و به کسب درآمدهای اختصاصی نیز مجاز هستند. درآمدهای اختصاصی (از شرکای دولتی یا خصوصی)، به دانشگاه‌ها ابزاری برای تقویت بودجه اختصاصی می‌دهد، این کمک‌های مالی از افراد یا شرکت‌ها (که می‌تواند موجب بخشودگی بخشی از مالیات بر درآمد آنها نیز شود) بدون نیاز به رویه‌های توافق قبلی توسط وزارتخانه‌ها در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد^۲.

ج) ارزیابی و تضمین کیفیت

در سال ۱۹۸۵ با تصویب قانون مربوط به کمیته ملی ارزیابی آموزش عالی، تلاش ویژه‌ای به‌عمل آمد. این کمیته که یک نهاد مستقل دولتی بود، دانشگاه‌ها را یاری می‌داد تا درباره امور خود قضاوت کرده، کیفیت آموزش، تحقیق و توسعه نظام دانشگاهی خود را بهبود بخشند (بازرگان^۳، ۱۳۷۶: ۶۶). براساس قانون ESR به‌منظور ارزیابی مؤسسه‌ها، واحدهای تحقیقاتی و دوره‌ها، مرجع اداری مستقلی به‌وجود آمد که «شورای عالی ارزیابی تحقیقات و آموزش عالی» نام گرفت. این شورا جایگزین آژانس ارزشیابی برای تحقیق و آموزش عالی شده است. در این قانون آمده است که شورای عالی می‌تواند خود مستقیماً ارزیابی را انجام دهد یا کیفیت ارزیابی‌های انجام شده توسط سایر نهادها را با بررسی اعتبار رویه‌های انجام شده تأیید کند. مؤسسه‌های ارزیابی شده این حق را دارند به نهاد دیگری برای ارزیابی مراجعه کنند، اما در صورت انجام این کار، فرایند ارزیابی نهاد جدید نیز باید به تأیید شورای عالی برسد. در کنار این شورا سه کمیسیون دائمی وجود دارد که هر یک در محدوده مشخص کار می‌کنند:

- کمیسیون صلاحیت‌های مهندسی: مسئول ارزیابی دوره‌های کلیه برنامه‌های تحصیلی مهندسی؛
- کمیسیون صلاحیت‌های مدارس بازرگانی: این کمیسیون صلاحیت‌های صادر شده برای مدارس بازرگانی، به‌ویژه برنامه‌های تحصیلی تجارت و مدیریت را بررسی می‌کند؛
- کمیسیون مشورتی ملی مؤسسه‌های فناوری دانشگاهی درباره علاقه عمومی مربوط به مؤسسه‌های فناوری دانشگاه، تدریس و مدارک آنها به وزارت آموزش عالی مشورت می‌دهد.

۱. بوم‌شناسی؛ مطالعه روابط موجودات زنده با محیط و عادت‌ها و طرز زندگی آنها

2. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/higher-education-funding_en

۳. کیفیت و ارزیابی آن در آموزش عالی: نگاهی به تجربه‌های بین‌المللی، رهیافت، ش ۱۵.

ارزیابی نظام آموزش عالی فرانسه متکی بر هر دو نوع ارزیابی درونی و بیرونی است. جنبه‌های مختلفی از آموزش عالی و تحقیقات برای ارزیابی بیرونی ثبت می‌شوند، به‌ویژه عملکرد مدارس، واحدهای تحقیقاتی، دوره‌های مهارت‌آموزی و دیپلم. نهادهای مسئول ارزیابی بیرونی آموزش عالی در ارزیابی یک یا چند مورد از این جنبه‌ها نقش دارند و هر نهاد رویکرد خاص خود را دارد. برای مثال ارزیابی یک مؤسسه در چند مرحله انجام می‌شود: آماده‌سازی، بازدید و بازخورد؛ و روند آن نیز به این شرح است: ارسال پرونده، بررسی پرونده‌ها، جلسه مقدماتی توسط کمیته خبرگان، بازدید کمیته خبرگان از مؤسسه، جلسه بازخورد، تأیید اعتبار گزارش، ارسال گزارش جهت مشاهده به مؤسسه، انتشار گزارش ارزیابی؛ ارزیابی درونی: مطابق با اصل خودمختاری برای مؤسسه‌ها که در قانون^۱ LRU نیز تصریح شده است، مؤسسه به‌عنوان اولین مسئول در مدیریت کیفیت آموزش عالی شناخته می‌شود و روش‌های خودارزیابی (یا ارزیابی درونی) در مؤسسه‌ها اجرا می‌شود. ابزارهای خودارزیابی توسط این دو نهاد در اختیار مؤسسه‌ها قرار می‌گیرد، برای مثال کتاب مرجع از سه فصل تشکیل شده است (سیاست آموزش، سیاست علمی و مدیریت) که به وظایف اساسی دانشگاه‌ها پاسخ می‌دهد. از این طریق مؤسسه می‌تواند نقاط قوت، ضعف و پیشرفت‌های خود را شناسایی کند. ارزیابی درونی ممکن است تنها یک بار یا به‌عنوان یک روند مداوم انجام شود.

نهادهای زیر در ارزیابی آموزش عالی مشارکت می‌کنند:

- آژانس برای ارزیابی تحقیقات و آموزش عالی^۲؛
- کمیته ملی ارزیابی مدارس با ماهیت علمی، فرهنگی و شغلی^۳؛
- بازرسی کل اداره آموزش و تحقیقات ملی^۴؛
- شورای عالی ارزیابی^۵؛

مؤسسه‌های آموزش عالی همچنین از طریق انجام فرایند ارزیابی درونی در ارزیابی سیستم مشارکت می‌کنند؟

۳. استرالیا

الف) ساختار

کشور استرالیا به‌صورت فدرال اداره می‌شود، از این‌رو مسئولیت آموزش (آموزش و پرورش و آموزش عالی) عمدتاً با ایالات و نواحی استرالیاست، به‌این‌ترتیب که ۶ ایالت و ۲ ناحیه با دولت استرالیا برای بهبود نتایج آموزشی همکاری دارند. در استرالیا تصمیم‌گیری مشترک بر اولویت‌های مشترک و توافق طرح‌های ملی از طریق شوراهای سیاسی بین‌دولتی گرفته می‌شود. این شوراها عبارتند از:

۱. قانون آزادی‌ها و مسئولیت دانشگاه

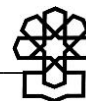
2. AERES–Evaluating Agency for Evaluating Research and Higher Education

3. CNE–National Committee for Evaluating Schools of a Scientific, Cultural and Vocational Nature

4. IGAENR–Inspection General of the Administration of National Education and Research

5. HCE–High Evaluation Council

6. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/quality-assurance-higher-education_en



۱. اجلاس وزرای آموزش^۱؛ این اجلاس برای همکاری و تصمیم‌گیری ملی در زمینه آموزش و مراقبت در دوران کودکی، آموزش مدرسه، آموزش عالی و آموزش بین‌المللی است. وزرای مسئول آموزش در دولت و ایالت‌ها در این اجلاس حضور دارند. در این اجلاس موارد با اهمیت و استراتژیک ملی به‌طور مشترک برای دستیابی به اولویت‌ها و اهداف مورد توافق مورد بحث قرار می‌گیرد^۲. این اجلاس سالیانه چهار بار تشکیل می‌شود.

۲. اجلاس وزیران برای آموزش عالی و استخدام^۳: این اجلاس یک اجلاس کلیدی بوده و مسئولیت کلی آموزش عالی و اشتغال را برعهده دارد. وظایف ویژه این اجلاس عبارت است از: تعیین اولویت‌های ملی و جهت‌گیری سیاست‌ها برای بخش آموزش عالی برای برآوردن نیازهای مهارتی اقتصاد استرالیا. به‌طورکلی این شورا مسئول آموزش عالی، آموزش حرفه‌ای و آموزش‌های بین‌المللی (غیر از مدرسه)، آموزش جامعه و بزرگسالان، اشتغال و سیاست جوانان است که مربوط به شرکت در آموزش عالی، کار و بهره‌وری نیروی کار است. این اجلاس کارکردهای کلیدی زیر را دارد:

- ایجاد ترتیبات ملی برای سازگاری ملی و هماهنگی بخش‌های آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- تخصیص منابع صندوق تأمین مالی نظام آموزش (مهارتی)؛
- نظارت بر کار شورای چارچوب صلاحیت‌های استرالیا در تقویت چارچوب صلاحیت‌ها؛
- تعامل با ارگان‌ها، شوراهای و شرکت‌های وابسته به وزارتخانه برای اطمینان از اثربخشی سیاست‌ها و استراتژی‌های بخش آموزش عالی؛

- تعیین اولویت‌های پژوهشی ملی^۴.

۳. شورای دولت استرالیا^۵: یک انجمن بین‌دولتی در استرالیا است. این شورا مرکب از نخست‌وزیر، نخست‌وزیر ایالت و رئیس هیئت دولت محلی استرالیا^۶. موافقت شورای دولت استرالیا به توافق‌نامه بین‌دولتی در روابط مالی فدرال و توافق‌نامه ملی آموزش و پرورش به یک چارچوب مشترک برای اصلاحات آموزش و پرورش سراسر استرالیا منجر شده است. این چارچوب شامل مجموعه‌ای از توافق بر سر اهداف ملی، نتایج، اهداف و شاخص‌های عملکرد برای هدایت اصلاحات آموزش و پرورش در سراسر این کشور بوده است (رمضانی و عزیز، ۱۳۹۵).

ب) تأمین مالی

بخش اعظم بودجه برای دانشگاه‌ها از دولت فدرال تأمین می‌شود، اما دولت‌های ایالتی مربوطه نیز برخی از وجوه را اغلب برای پروژه‌های خاص در زمانی معین فراهم می‌کنند. از اواخر دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های دولت فدرال به‌طور فزاینده بر درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها از خدمات و ... متمرکز شده است. این امر به پاسخگویی بیشتر، بهره‌وری و نظارت بر عملکرد بهتر منجر شده است. دانشگاه‌ها در حال حاضر کمتر از ۵۰ درصد بودجه خود را از دولت دریافت می‌کنند (که در سال ۱۹۸۸ معادل ۹۵ درصد بود)، حتی برخی از دانشگاه‌ها کمتر از ۳۰ درصد از بودجه خود را از دولت دریافت

1. The Education Ministers Meeting

2. <https://www.dese.gov.au/education-ministers-meeting/resources/education-ministers-meeting-terms-reference>

3. Ministerial Council of Tertiary Education and Employment (MCTEE)

4. <http://www.ivet.com.au/a/182.html#:~:text=MCTEE%20is%20the%20key%20decision,needs%20of%20the%20Australian%20economy>

5. Council of Australian Governments (COAG)

6. <http://www.ivet.com.au/a/183.html>

می‌کنند و بقیه از شهریه‌های دانشجویی و فعالیت‌های خدماتی و کمک‌هایی است که به دانشگاه‌ها صورت می‌پذیرد. همچنین از آنجایی که دانشگاه‌های استرالیا یکی از مقاصد اصلی دانشجویان بین‌المللی است، شهریه‌های این دانشجویان به‌عنوان یکی از منابع مالی اصلی آموزش عالی این کشور است (همان: ۳). به‌طور کلی می‌توان گفت سیستم دانشگاهی استرالیا تا حد زیادی از طریق کمک هزینه‌های تحقیقاتی و آموزشی دولتی و شهریه‌های دانشجویی که با طرح وام‌های دانشجویی دولت حمایت و پشتیبانی می‌شود، تأمین می‌شود. سایر منابع مالی همان‌گونه که اشاره شد شامل شهریه‌های دانشجویان بین‌المللی، درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری و همچنین درآمدهای حاصل از قراردادهای تحقیقاتی و مشاوره‌ای است. در استرالیا همه دانشگاه‌ها موظفند صورت‌های مالی را به وزارت آموزش ارائه دهند و منابع درآمد و هزینه را مشخص می‌کنند.^۱ در این بین طرح کمک‌هزینه رفاه عمومی^۲ بزرگ‌ترین منبع بودجه دولت برای دانشگاه‌ها است. این طرح براساس تعداد دانشجویان داخلی معادل تمام‌وقت در محل‌های حمایت شده (توسط طرح کمک‌هزینه رفاه عمومی) تخصیص می‌یابد. برنامه وام آموزش عالی^۳ نیز برای دانشجویان در دسترس است. دانشجویانی که از این وام استفاده می‌کنند نیازی به پرداخت هزینه‌های دانشگاه به‌صورت پیش‌پرداخت ندارند، اما در عوض پس از وارد شدن به بازار کار و کسب درآمد، پرداخت‌های خود را انجام می‌دهند.^۴ برنامه وام آموزش عالی با فراهم کردن امکان به تعویق انداختن پرداخت هزینه‌های خود تا زمان ورود به بازار کار و کسب درآمد از آموزش‌هایی که دیده‌اند، میلیون‌ها استرالیایی را بدون توجه به پیشینه مالی آنها قادر می‌سازد تا به آموزش عالی دسترسی پیدا کنند و از مزایای آن استفاده کنند.^۵ نوع دیگر تأمین مالی آموزش عالی استرالیا، بودجه‌های تحقیق و توسعه است که دولت استرالیا (فدرال)، دولت‌های ایالتی و منطقه‌ای، صنعت و منابع بشردوستانه تأمین می‌کند. براساس آخرین آمار ارائه شده پایگاه دانشگاه‌های استرالیا که به سال ۲۰۱۵ مربوط است، در مجموع ۳۱/۲ میلیارد دلار برای تحقیق و توسعه هزینه شده است. دولت استرالیا حدود یک‌سوم (۱۰/۲ میلیارد دلار) از کل این هزینه‌ها را تأمین کرده که عمدتاً از طریق طرح مشوق مالیاتی تحقیق و توسعه و بودجه رقابتی و بلوکی^۶ اختصاص می‌یابد.^۷

ج) ارزیابی و تضمین کیفیت

آژانس کیفیت دانشگاه‌های استرالیا^۸ یک آژانس ملی مستقل و غیرانتفاعی است که برای ترویج، ممیزی و گزارش در مورد تضمین کیفیت در آموزش عالی استرالیا تأسیس شده است. این آژانس ممیزی را به‌عنوان یک بررسی نظام‌مند و مستقل برای تعیین اینکه آیا فعالیت‌ها و نتایج مربوطه با ترتیبات برنامه‌ریزی شده مطابقت دارد و آیا این ترتیبات به‌طور اثربخش اجرا می‌شوند و برای دستیابی به اهداف مناسب هستند، تعریف می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰).

1. <https://www.universitiesaustralia.edu.au/policy-submissions/teaching-learning-funding/how-universities-are-funded/>

2. Commonwealth Grant Scheme (CGS)

3. Higher Education Loan Program (HELP)

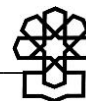
۴. تا زمانی که وام‌گیرنده بیش از مقدار مشخصی که به‌عنوان «آستانه بازپرداخت» شناخته می‌شود، درآمد نداشته باشد، نیازی به بازپرداخت وام ندارد. پرداخت‌ها درصدی از درآمد سالیانه وام‌گیرندگان است و این نرخ بازپرداخت با افزایش درآمد وام‌گیرنده افزایش می‌یابد.

5. <https://www.universitiesaustralia.edu.au/policy-submissions/teaching-learning-funding/how-universities-are-funded/>

6. block-based funding

7. <https://www.universitiesaustralia.edu.au/policy-submissions/research-innovations/research-funding>

8. Australian Universities Quality Agency (AUQA)



آژانس فوق مستقل از دولت و بخش آموزش عالی عمل می کند و دارای بودجه عملیاتی از بودجه عمومی، وزیران فدرال و ایالت است. آژانس کیفیت دانشگاه‌های استرالیا به بررسی میزان دستیابی مؤسسه‌ها به مأموریت‌ها و اهداف‌شان می‌پردازد. ممیزی کیفیت، مؤسسه‌ها را در زمینه‌های کلیدی یاددهی و یادگیری، پژوهش و مدیریت، فعالیت‌های خارج از مؤسسه و موفقیت مؤسسه در حفظ استانداردهای تحصیلات دانشگاهی در استرالیا را ارزیابی می‌کند.^۱ در این زمینه دولت فدرال استرالیا دو سیستم ارزیابی کیفیت برای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها در نظر گرفته است.

۱. سیستم کیفیت آموزش عالی و آژانس استانداردها: این سیستم به‌طور ضروری فرایندها، روش‌ها و اسناد و مدارک را مورد بررسی قرار می‌دهد و نقطه ضعف آن چیره شدن فرایند بوروکراتیک بر آن است.

۲. سیستم کیفیت پژوهش استرالیا: سیستم RQF برای ارزیابی کیفیت و تأثیر تحقیق در دانشگاه‌ها از طریق ارزیابی مبتنی بر پانل گروه‌های تحقیقات درون رشته‌های دانشگاه است. هدف این ارزیابی این است که اطمینان حاصل شود که کیفیت تحقیق درون دانشگاه‌های استرالیا با دقت زیاد در برابر استانداردهای بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرد (رضانی و عزیز، ۱۳۹۵).

بنابراین می‌توان گفت هرچند ارزیابی و تضمین کیفیت به هنگام اجرا مستقل از دولت است، اما منابع مالی آن توسط دولت فدرال و ایالت‌ها تأمین می‌شود و تمرکز ارزیابی بر دو موضوع فرایندها و روش‌های آموزش و اسناد و مدارک و کیفیت پژوهش است.

۴. انگلستان

الف) ساختار

دپارتمان آموزش یک اداره دولتی است که مسئولیت کلی ارائه خدمات آموزشی، تعیین خط‌مشی‌های ملی و برنامه‌ریزی جهت‌گیری سیستم آموزشی را برعهده دارد. این نهاد مسئول خدمات و آموزش کودکان، سیاست‌های آموزش عالی، کارآموزی و مهارت‌های گسترده‌تر است. هدف دپارتمان این است که اطمینان حاصل کند که فرصت‌ها برای همه بدون توجه به پیشینه یا شرایط خانوادگی برابر است. این دپارتمان را ۱۸ آژانس و نهاد پشتیبانی می‌کند که برای مثال می‌توان به اداره صلاحیت‌ها و مقررات آزمون^۲، آژانس استاندارد و آزمون^۳، آژانس تأمین مالی آموزش و مهارت^۴، آژانس مقررات آموزش^۵ و اداره امور دانشجویان^۶ اشاره کرد. وظایف هر یک از نهادها و آژانس‌های فوق در زیر به‌طور خلاصه اشاره شده است:

- اداره صلاحیت‌ها و مقررات آزمون، یک اداره دولتی بدون دخالت وزیر است که مسئولیت تنظیم مدارک، امتحانات و ارزیابی‌ها را برعهده دارد.

1. https://www.rdi.uwa.edu.au/_data/assets/pdf_file/0016/230704/Library_1_Australian_Universities_Quality_Agency.pdf
2. Office of Qualifications and Examinations Regulation
3. the Standards and Testing Agency (STA)
4. the Education and Skills Funding Agency (ESFA)
5. the Teaching Regulation Agency (TRA)
6. the Office for Students (OfS)

- آژانس استاندارد و آزمون، مسئول توسعه آزمون‌های برنامه درسی ملی برای دستیابی به معیارهای یکسان و حمایت از مدارس برای انجام برنامه درسی ملی است. این نهاد نیز وابسته به دپارتمان آموزش است.

- آژانس تأمین مالی آموزش و مهارت، یک سازمان اجرایی مربوط به دپارتمان آموزش است که به‌عنوان آژانس دولتی مسئول تأمین بودجه آموزش برای کودکان، جوانان و بزرگسالان است.

- آژانس مقررات آموزش یک سازمان اجرایی است که تحت حمایت دپارتمان آموزش قرار دارد و مسئول قاعده‌گذاری حرفه معلمی است و معلمان واجد شرایط را تأیید می‌کند.

- اداره امور دانشجویان، وظیفه تنظیم‌گری در حوزه آموزش عالی را برعهده دارد و مؤسسه‌های آموزش عالی استفاده‌کننده از بودجه دولتی در برابر این نهاد پاسخگو هستند. این نهاد در سال ۲۰۱۸ به‌جای دفتر دسترسی عادلانه و شورای بودجه آموزش عالی انگلیس تأسیس شده است.^۱

ساختار برنامه‌های تحصیلی در مؤسسه‌های آموزش عالی انگلستان از طریق قانون تنظیم نمی‌شود و مؤسسه‌های آموزش عالی خودمختار خودحکمران^۲ هستند. با توجه به وجود اختیار اعطای مدرک، مؤسسه‌ها در طراحی و ارائه برنامه‌ها آزاد هستند. با این وجود همه مؤسسه‌ها برنامه‌های خود را در یک چارچوب مشخص (سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) که با چارچوب صلاحیت‌های منطقه آموزش عالی اروپا مطابقت دارد ساختاردهی می‌کنند.^۳

قانون آموزش عالی و تحقیقات^۴ که در سال ۲۰۱۷ به تصویب رسید، مقررات جدیدی را در خصوص کیفیت و بودجه تحقیق و نوآوری معرفی کرد که براساس آن اداره امور دانشجویان تأسیس شد که در آوریل ۲۰۱۸ این اداره به‌عنوان تنظیم‌گر آموزش عالی انگلستان شناخته شد، بر این اساس اداره فوق چارچوب تنظیم‌گری جدیدی برای آموزش عالی انگلستان ایجاد کرد.

بنابراین به‌طورکل می‌توان گفت ساختار کلان اداره کرد نظام آموزش عالی در انگلستان ترکیبی از الگوهای متمرکز و نیمه‌متمرکز است، به‌طوری‌که سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان توسط دپارتمان آموزش اتخاذ می‌شود و اداری نیز به‌منظور پشتیبانی از این تصمیمات به‌وجود آمده است، اما مقامات محلی، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی در اجرای این سیاست‌ها اختیار بالایی دارند.

(ب) تأمین مالی

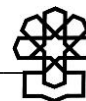
مؤسسه‌های آموزش عالی در انگلیس بودجه را از منابع مختلف دولتی و خصوصی دریافت می‌کنند که در جدول ۱ با جزئیات بیشتر خلاصه شده است. همچنین از زمان معرفی رژیم شهریه تجدید نظر شده برای دانشجویان ورودی سال ۲۰۱۲ به بعد، بخش عمده‌ای از بودجه مؤسسات آموزش عالی در انگلستان از طریق شهریه تأمین می‌شود. شهریه‌های تحصیلی برای اولین بار در سال تحصیلی ۱۹۹۹-۱۹۹۸ معرفی شد که هدف دولت از آن سیاست ایجاد یک سیستم بودجه با ثبات بالا بود.

1. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/organisation-and-governance-93_en

2. autonomous self-governing

3. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-91_en

4. The Higher Education and Research Act



جدول ۱. نوع تأمین مالی و میزان هریک از آنها در آموزش عالی کشور انگلستان

| ردیف | نوع بودجه | نسبت از بودجه کل |
|------|---------------------------------|------------------|
| ۱ | شهریه‌ها و قراردادهای آموزشی | ٪ ۴۹/۷ |
| ۲ | کمک‌های مالی هیئت بودجه‌ریزی | ٪ ۱۴/۳ |
| ۳ | قراردادها و کمک‌های مالی پژوهشی | ٪ ۱۶ |
| ۴ | درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری | ٪ ۰/۷ |
| ۵ | موقوفات | ٪ ۱/۶ |
| ۶ | سایر درآمدها | ٪ ۱۷ |

مآخذ: یورودیس، انگلستان، منابع مالی، ۲۰۲۰.

اداره امور دانشجویان وظیفه توزیع بودجه عمومی به مؤسسه‌های آموزش عالی را از طریق کمک‌های مالی سالیانه برعهده دارد. اینها براساس بودجه‌ای است که هر ساله در چارچوب سیاستی که دولت تعیین می‌شود، تخصیص می‌یابد. بودجه تحقیقات در انگلستان برای پشتیبانی از ظرفیت و زیرساخت‌های تحقیقاتی اعطا می‌شود و مؤسسه‌ها را قادر می‌سازد تا تحقیقات پیشگامانه را به انتخاب خود انجام دهند. بودجه مربوط به پروژه‌های پژوهشی و برنامه‌های خاص را هفت شورای پژوهشی که تحت عنوان «کمک‌های ملی و قراردادهای پژوهشی» قرار دارد تأمین می‌کند. از زمان تصویب قانون آموزش عالی و تحقیقات در سال ۲۰۱۷، شوراها پژوهش انگلستان به همراه شورای نوآوری بریتانیا بخشی از بودجه تحقیقات و نوآوری بریتانیا را تشکیل داده‌اند. همچنین برنامه‌های اروپایی مانند افق ۲۰۲۰ منبع قابل توجهی از بودجه‌های تحقیقاتی را تشکیل داده است. برای مثال برنامه اسبق اتحادیه اروپا - برنامه چارچوب تحقیق - ۱۵٪ از بودجه علمی و پژوهشی دولت انگلیس را تأمین کرده است.^۱

ج) ارزیابی و تضمین کیفیت

ممیزی مؤسسه‌ای یکی از مهم‌ترین مراحل الگوی به‌کار گرفته شده در تضمین کیفیت انگلستان است. این مرحله در واقع فرایندی «مبتنی بر شواهد» از طریق مرور و ارزشیابی هم‌تایان بیرونی به استناد گزارش ارزیابی درونی و بررسی آن از طریق بازدید مستقیم از مؤسسه است. ممیزی مؤسسه‌ای فرایندی است برای بررسی اینکه آیا مؤسسه کیفیت قابل قبولی را براساس استانداردهای از پیش تعریف شده و با در نظر گرفتن مأموریت خود حفظ می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین در انگلستان مؤسسه‌های آموزش عالی مؤسسه‌های خودمختار و خودراهر هستند. هر مؤسسه مسئول کیفیت برنامه‌های خود در قبال مدرکی که اعطا می‌کند و استانداردهای علمی است. مؤسسه‌های آموزش عالی در یک چارچوب نظارتی مشغول به فعالیت هستند که اعطای اختیارات ارائه مدرک را پوشش می‌دهد، این چارچوب نظارتی بر حق استفاده از عنوان «دانشگاه» یا «کالج دانشگاهی»، دریافت بودجه دولتی از طریق اداره دانشجویان و ... را در نظر می‌گیرد.

رویکردهای مورد استفاده برای تضمین کیفیت شامل بررسی درونی و بیرونی است. براساس قانون آموزش عالی و تحقیقات مصوب سال ۲۰۱۷، اداره امور دانشجویان به‌عنوان تنظیم‌گر اصلی این بخش شناخته می‌شود. در چارچوب نظارتی که بر این اساس تدوین شده است، ارائه‌دهندگان آموزش عالی که مایل به دسترسی به بودجه و کمک‌های

1. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-funding-93_en

مالی/ بودجه‌های حمایت از دانشجویان/ یا استخدام دانشجویان بین‌المللی/ یا برای درخواست حق اعطای مدرک یا استفاده از عنوان دانشگاه هستند، باید این نهاد ثبت کنند. این شرایط نشان می‌دهد که آنها به ارائه آموزش عالی با کیفیت به دانشجویان قادر هستند. بررسی این نوع شرایط به ارزیابی بیرونی تعبیر می‌شود.^۱

۵. ایالات متحده آمریکا

الف) ساختار

یکی از مفاهیم اساسی در اداره کردن آموزش عالی ایالات متحده، دولت محدود^۲ و حتی‌الامکان تحت کنترل محلی است. براساس این مدل، قانون اساسی ایالات متحده تمام وظایف دولت را که به‌طور خاص برای دولت فدرال توصیف نشده است را به ایالت‌ها واگذار می‌کند. از جمله این کارکردها، آموزش است. در نتیجه هر یک از ۵۰ ایالت به‌جای دولت فدرال وظیفه اداره کالج‌ها و دانشگاه‌های عمومی را دارند (که ۷۵٪ دانشجویان در آنها ثبت‌نام می‌کنند). در این بین میزان کنترل توسط ایالت‌ها بسیار متفاوت است. برخی از مؤسسه‌ها مانند دانشگاه‌های کالیفرنیا و میشیگان با استفاده از خودمختاری منبعث از قانون اساسی، مستقل از قوانین ایالتی عمل می‌کنند. در سوی دیگر هیئت امنای محلی که به‌طور محلی انتخاب شده‌اند، برخی از کالج‌های دو ساله^۳ را اداره می‌کنند. در بعضی از ایالت‌ها، یک هیئت امنای منصوب توسط فرماندار/ یا قوه مقننه بر همه مؤسسه‌ها نظارت می‌کند، سطوح بودجه را تنظیم می‌کند، اقدام‌های پاسخ‌گویی را ایجاد می‌کند، سیاست‌ها را تنظیم می‌کند و برنامه‌های جدید دانشگاهی را تصویب می‌کند. در برخی دیگر، هیئت دولت (ایالتی) تنها نقش مشورتی ایفا می‌کند و اختیار مستقیم کمی نسبت به مؤسسه دارد. در بسیاری دیگر، یک آژانس دولتی بین مؤسسه‌ها و دولت ایالتی قرار گرفته است و در حال اجرای سیاست‌ها در سراسر ایالت است، اما در عین حال تلاش می‌کند مؤسسه‌ها را از سیاست‌های بد و مداخله‌آمیز (مزاحم) دولتی مصون نگه دارد.

از آنجاکه در قانون اساسی از آموزش به‌عنوان یک مسئولیت فدرال نام برده نشده، از این‌رو دولت فدرال نقش محدودی در آن ایفا می‌کند و ایالات متحده هرگز وزارت آموزش نداشته است. به‌استثنای قانون مهم موریل لند گرن^۴ مربوط به سال ۱۸۶۲، که قلمرو/ خاک فدرال را برای تأسیس دانشگاه‌های دولتی به ایالت‌ها اهدا کرد، دولت فدرال تا اواسط قرن ۲۰ - یعنی زمان وقوع جنگ جهانی دوم و ضرورت ایجاد بودجه فدرال برای تحقیقات علمی در کالج‌ها و دانشگاه‌ها برای افزایش ظرفیت نظامی ایالات متحده - هیچ نقشی در آموزش عالی نداشت. با آغاز جنبش حقوق مدنی در دهه ۱۹۶۰، نقش فدرال در حمایت از دانشجویان شامل برنامه‌های کمک‌هزینه و وام برای دانشجویان کم‌درآمد و متوسط بود. از آن زمان حمایت دولت فدرال گسترش یافته است به‌طوری‌که اکنون سرمایه‌گذار اصلی هم تحقیقات علمی و هم کمک‌های مالی به دانشجویان است. با این وجود، به‌رغم نفوذ فزاینده دولت فدرال، نقش آن هنوز محدود

1. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/quality-assurance-higher-education-77_en

2. Limited government

3. Community Colleges

4. Morrill Land Grant Act



است و همچنان در تصمیمات اصلی دانشگاهی دخالت نمی‌کند، تصمیماتی که عموماً برعهده نهادهای و در مورد برخی از نهادهای عمومی، ایالت‌هاست (اکل و کینگ، ۲۰۰۴).

ب) تأمین مالی

در حالی که دولت نقش بسیار مهمی در تأمین مالی ایفا می‌کند، کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکایی توسط منابع درآمدی متنوعی پشتیبانی می‌شوند که منعکس‌کننده انتخاب‌های بازار دانشجویان و والدین آنها و همچنین سایر مصرف‌کنندگان کالاها و خدماتی است که مؤسسه‌ها ارائه می‌دهند. منابع عمده درآمد شامل پرداخت شهریه توسط دانشجویان و خانواده‌ها (شامل کمک‌های مالی دولت به دانشجویان برای پرداخت شهریه)، اعتبارات، کمک‌های مالی و قراردادهای دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی، هدایای خصوصی، موقوفات و سایر درآمدهای سرمایه‌گذاری و فروش خدمات است.

هرچند منابع درآمدی مؤسسه‌های آمریکایی متنوع است، دو منبع برای اکثر مؤسسه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: اعتبارات دولتی - به‌ویژه برای مؤسسه‌های عمومی - و شهریه و هزینه‌هایی که دانشجویان یا خانواده‌های وی باید پرداخت کنند. در همین رابطه یکی از سؤال‌های همیشگی در امور مالی نظام آموزش عالی آمریکا این است که چه مقدار از هزینه‌های تحصیل را دولت و چه مقدار را دانشجویان و خانواده‌ها باید تقبل کنند؟

به‌طور سنتی اعتبارات دولتی بخش عمده‌ای از درآمد مؤسسه‌های عمومی را تشکیل می‌داده است. اما هم‌اکنون این اعتبارات رو به کاهش است و دولت‌های ایالتی و نهادهای عمومی در پی افزایش شهریه هستند و قصد دارند مسئولیت تأمین مالی را از مالیات‌دهندگان به دانشجویان منتقل کنند، چراکه در بیشتر ایالت‌ها آموزش عالی بعد از نظام سلامت و آموزش عمومی (ابتدایی و متوسطه) سومین میزان تخصیص بودجه را به خود اختصاص داده است. از آنجاکه هزینه‌های سلامت به‌سرعت در حال افزایش است و رأی‌دهندگان نیز خواستار حفظ شرایط آموزش عمومی هستند، از این‌رو بودجه آموزش عالی ناچار باید کاهش یابد چراکه منبع جایگزین طبیعی - پرداخت شهریه توسط دانشجویان / خانواده‌ها - وجود دارد. همچنین در مواقعی که شرایط اقتصادی مناسب است، ایالت‌ها اعتبارات کالج‌ها و دانشگاه‌ها را افزایش می‌دهند و در عوض خواستار این هستند که مؤسسه‌ها شهریه‌ها را کاهش دهند، اما هنگامی که اقتصاد دچار مشکل می‌شود و درآمد مالیاتی ایالت‌ها کاهش می‌یابد، ایالت‌ها هزینه‌های آموزش عالی را کاهش می‌دهند و از مؤسسه‌ها انتظار دارند که از طریق افزایش شهریه اختلاف به‌وجود آمده را جبران کنند.

مجموعه‌ای از هزینه‌های در حال رشد در بسیاری از مؤسسه‌های خصوصی غیرانتفاعی کمک‌های مالی مؤسسه‌ای است که بعضی اوقات «تخفیف شهریه» نامیده می‌شود. کالج‌های خصوصی رسم دیرینه‌ای از فراهم کردن کمک‌های مالی برای دانشجویان با بضاعت مالی پایین دارند. به‌علاوه بسیاری از این مؤسسه‌ها (و همچنین بسیاری از مؤسسه‌های دولتی) از کمک‌های مالی برای جذب دانشجویانی که به پرداخت شهریه قادر هستند اما بدون تخفیف تمایل به حضور ندارند، استفاده می‌کنند. از این‌رو برای برخی از مؤسسه‌ها تخفیف راهی است برای رقابت با سایر مؤسسه‌ها. برای سایرین نیز، آن یک اقدام ضروری برای پر کردن پذیرش (یا همان صندلی‌های خالی) است که در غیر این صورت خالی می‌ماند (اکل و کینگ، ۲۰۰۴).

ج) ارزیابی و اعتبارسنجی

اعتبارسنجی آمریکایی با نوع تضمین کیفیت انجام شده توسط دولت‌ها در اکثر کشورهای دیگر متفاوت است. دولت‌های فدرال و ایالتی می‌توانند الزامات مسئولیت‌پذیری که خود در نظر دارند را به مؤسسه‌ها تحمیل کنند، اما آنها به‌طور کلی ارزیابی کیفیت آکادمیک را از طریق فرایندهای اعتبارسنجی و بررسی خودکار به مؤسسه‌ها واگذار کرده‌اند. دولت فدرال به‌طور خاص به سازمان‌های معتبر منطقه‌ای و ملی برای تعیین اینکه آیا مؤسسه‌ها از کیفیت علمی و سلامت اداری کافی برای گنجاندن برنامه‌های کمک مالی دانشجویان فدرال برخوردارند، تکیه می‌کند. زمانی که دپارتمان آموزش ایالات متحده به‌طور رسمی یک سازمان اعتبارسنجی را به رسمیت می‌شناسد، تأیید می‌کند که سازمان به اندازه کافی کیفیت را در حوزه‌هایی که از طرف دولت فدرال مجاز است نظارت می‌کند، مانند سلامت مالی و شایستگی مدیریتی، پذیرش‌های عادلانه و روش‌های استخدام و مدارکی دال بر موفقیت دانشجویان.

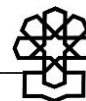
همچنین سازمان‌های اعتبارسنجی حداقل استانداردهایی را که مؤسسه‌ها باید در طیف وسیعی از زمینه‌ها مانند برنامه‌های درسی، مدارک تحصیلی اعضای هیئت علمی، نتایج یادگیری دانشجویان، خدمات دانشجویی و سلامت مالی داشته باشند را ارزیابی می‌کنند. با این حال، سازمان‌های اعتبارسنجی چگونگی دستیابی مؤسسه‌ها به این استانداردها را تعیین نمی‌کنند، به علاوه، از آنجا که اعتبارسنجی مؤسسه‌ها را براساس مجموعه‌ای از استانداردها ارزیابی می‌کنند، معمولاً سنجشی از عملکرد مؤسسه نسبت به سایر مؤسسه‌ها ارائه نمی‌دهند. به‌طور کلی اعتبارسنجی از طریق خودارزیابی مؤسسه‌ای و یک فرایند بررسی همتایان برای تعیین اینکه آیا مؤسسه استانداردهای سازمان را برآورده کرده است، انجام می‌شود (اکل و کینگ، ۲۰۰۴).

۶. کره جنوبی

الف) ساختار

از دوره دولت دی جوینگ کیم^۱ (یعنی سال ۱۹۹۸) ساختار اداری فعلی سیستم آموزشی کره از سه لایه شکل گرفت. وزارت آموزش، دفاتر محلی و سطح کلان‌شهرها و استان‌ها و سایر موارد در سطح شهرستان (بخش). بالاترین آژانس آموزشی وزارت آموزش است به‌طوری‌که از زمان تأسیس جمهوری کره در سال ۱۹۴۸ تا زمان حال، وزارت آموزش سازمان اصلی در اداره آموزش کره بوده و بر همه مؤسسه‌ها نظارت دارد. این مرجع مسئول اصلی اجرای دستورات قانون اساسی در حوزه آموزش است. وزارت آموزش سیاست‌های مربوط به آموزش و علوم را تدوین می‌کند، برای اجرای سیاست‌ها و مقررات اقدام و کتب درسی را مصوب و منتشر می‌کند، ارگان‌های تابعه را برای طراحی و اجرای سیاست‌ها هدایت و هماهنگ می‌کند و درنهایت، نظارت و پشتیبانی از مؤسسه‌ها و سازمان‌های آموزشی را انجام می‌دهد. اما در حوزه آموزش عالی، دفتر پشتیبانی آموزش عالی وزارت آموزش زمینه‌های زیر را در خصوص کالج‌ها و دانشگاه‌های چهار تا ۶ ساله اداره و کنترل می‌کند:

۱. تأسیس و تعطیلی کالج‌ها و دانشگاه‌ها،



۲. سهمیه دانشجوی برای هر کالج و دانشگاه،
۳. مدیریت پرسنل مؤسسه‌های آموزش عالی ملی یا دولتی، از جمله انتصاب همه رؤسای دانشگاه‌ها و رؤسای مستقل کالج‌ها،
۴. صلاحیت‌های کارکنان آموزشی اعم از استخدام شده در مؤسسه‌های دولتی یا خصوصی،
۵. شهریه برای مؤسسه‌های آموزش عالی،
۶. بازرسی از امکانات آموزشی،
۷. هزینه‌های پذیرش و رویه‌ها،
۸. استانداردهای عمومی برای ورود و فارغ‌التحصیلی،
۹. برنامه‌های درسی و الزامات مدارک تحصیلی،
۱۰. بررسی مالی، شامل همه مؤسسه‌های آموزش عالی دولتی و خصوصی (لی ۱، ۲۰۰۰).

نظام آموزش عالی کره از نظر نوع دانشگاه‌ها و چگونگی مدیریت آن در دسته‌های متفاوتی قرار می‌گیرند که بر آن اساس، در دسته‌بندی اول چهار نوع مؤسسه وجود دارد: ۱. کالج‌ها و دانشگاه‌ها، ۲. کالج‌های نوپا، ۳. دانشگاه‌ها و کالج‌های مربوط به آموزش و پرورش^۴ و ۴. مدارس متفرقه مانند کالج‌های مربوط به علوم دینی^۵. در نوع دیگر تقسیم‌بندی مؤسسه‌های فوق از نظر چگونگی تأسیس و نوع مدیریت در سه دسته کلی قرار می‌گیرند:

- دانشگاه‌های دولتی^۶: که به صورت مستقیم دولت تأسیس و اداره می‌کند؛
- دانشگاه‌های عمومی^۷: که مسئولان محلی تأسیس و اداره می‌کنند؛
- دانشگاه‌های خصوصی^۸: که بخش خصوصی تأسیس و اداره می‌شوند (میشلسکی و همکاران، ۲۰۱۲).

ب) تأمین مالی

کره جنوبی موفق شده است مقیاس آموزش عالی خود را به طرز چشمگیری افزایش دهد، اما نکته قابل توجه این است که این کشور بدون افزایش چشمگیر بودجه عمومی این کار را انجام داده است. دانشگاه‌های ملی (یا دولتی) برخی از یارانه‌های دولت و همچنین بودجه تحقیقاتی را دریافت می‌کنند و حدود ۳۰ درصد از درآمد آنها از شهریه است. با این حال دانشگاه‌های خصوصی ۶۹ درصد از بودجه خود را از شهریه‌ها کسب می‌کنند و فقط ۴ درصد از کمک‌های مالی دولتی استفاده می‌کنند. به طور کلی شهریه تحصیل در کالج‌ها حدود ۸۰ درصد شهریه دانشگاه‌هاست. شهریه دانشگاه‌ها براساس رشته تحصیلی متفاوت است به طوری که در علوم انسانی کمترین و در علوم پزشکی بیشترین میزان شهریه دریافت می‌شود. همچنین شهریه دانشگاه‌های خصوصی تقریباً دو برابر شهریه دانشگاه‌های دولتی است. با در نظر گرفتن این شرایط، کالج‌ها و دانشگاه‌ها می‌توانند سطح شهریه خود را تعیین کنند، بنابراین بین مؤسسه‌ها با بالاترین و کمترین شهریه تحصیلی، تفاوت اساسی وجود دارد. با این حال چند منبع مالی دیگر در سیستم موجود آموزش عالی کره جنوبی

1. Lee
2. Colleges And Universities
3. Junior Colleges
4. Universities of Education and Colleges of Education
5. Miscellaneous Schools Like Theological Colleges and Seminaries
6. State Universities
7. Public Universities
8. Private Universities
9. Michalski et al.

وجود دارد، هرچند اندازه‌گیری میزان دقیق آنها دشوار است. برای مثال برخی از دانشگاه‌ها را گروه‌هایی تأسیس کرده‌اند که همچنان بودجه آن دانشگاه را تأمین می‌کنند، دانشگاه‌هایی که کلیساها تأسیس کرده‌اند نمونه‌هایی از این نوع هستند که همچنان از حمایت آنها برخوردارند. دانشگاه علم و صنعت پوهانگ (POSTECH) را شرکت آهن و فولاد پوهانگ تأسیس کرده که همچنان از آن حمایت می‌کند. وزارتخانه‌های دیگر به‌غیر از وزارت آموزش، بودجه برخی مؤسسه‌های خاص را تأمین می‌کنند، به‌عنوان مثال وزارت کار به دانشگاه KUT و وزارت علوم و فناوری به دانشگاه KAIST کمک مالی می‌کنند، اما ارائه بودجه دولتی از طریق سازمان‌هایی غیر از وزارت آموزش به‌طور کلی شناخته شده و معروف نیست. براساس یک برآورد ۷۰٪ بودجه دولت از طریق وزارت آموزش تأمین می‌شود و ۳۰٪ باقی مانده از وزارتخانه‌های دیگر و دولت‌های محلی (گراب، ۲۰۰۹).

ج) ارزیابی و تضمین کیفیت

در سطح ملی، تضمین کیفیت در کره بیشتر به مکانیسم‌های اعتبارسنجی بستگی دارد، جایی که مؤسسه‌های مختلف توسط یکی از چندین سازمان معتبر، اعتبارسنجی یا ارزیابی می‌شوند: شورای کره برای آموزش دانشگاه، شورای کره برای آموزش کالج، مؤسسه توسعه آموزش کره، شورای اعتبارسنجی آموزش پزشکی در کره، شورای اعتبارسنجی برای آموزش مهندسی در کره و شورای اعتبارسنجی به آموزش پرستاری در کره. رویه‌های اعتبارسنجی نیز در بین این آژانس‌ها مختلف است. به‌عنوان مثال، اعتبارسنجی دانشگاه توسط شورای کره برای آموزش دانشگاه، داوطلبانه است. مؤسسه‌هایی که می‌خواهند برنامه‌های دانشگاهی خود را تأیید کنند، از یک خودارزیابی استفاده می‌کنند. سپس یک بررسی توسط همتا براساس بازدید از محل دو تا سه روزه وجود دارد، با یک سیستم نقطه‌ای که برای معیارهای مختلف (به‌عنوان مثال مدیریت و امور مالی، چشم‌انداز و استراتژی، پژوهش و همکاری صنعت و دانشگاه و مواردی از این قبیل) استفاده می‌شود. سپس معتبر یا غیرمعتبر بودن یک برنامه ارزیابی می‌شود، اگرچه نتایج قضاوت‌ها به‌صورت عمومی اطلاع‌رسانی نمی‌شود و تنها به مدیران دانشگاه داده می‌شود. در این فرایند، نقش‌های حداقلی برای دانشجویان و ذی‌نفعان خارجی وجود دارد. یک استاندارد واحد برای همه مؤسسه‌ها، بدون در نظر گرفتن مأموریت نوع مؤسسه آنها اعمال می‌شود (با انتقاد از «یک اندازه متناسب برای همه») (گراب، ۲۰۰۹).

۷. ژاپن

الف) ساختار

بیشتر فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی ملی تحت اختیار وزارت آموزش، علوم، ورزش و فرهنگ است. مؤسسه‌های آموزشی و فرهنگی عمومی مستقر در منطقه تحت حوزه هیئت‌های آموزشی استان و شهرداری قرار می‌گیرند. وزارتخانه مسئولیت نظارت و تخصیص کمک مالی به هیئت‌های محلی آموزشی را داشته و ممکن است به گزارش فعالیت‌های آموزشی آنها نیاز داشته باشد و آنجا که شرایط اقتضا کند وزارتخانه استعلام‌هایی را انجام می‌دهد و دستورات لازم برای بهبود یا اصلاح را به هیئت‌های محلی می‌دهد.



آژانس‌های (هیئت‌های) آموزشی ملی، استانی و شهرداری‌ها به‌طور رسمی مستقل از یکدیگر هستند. با این حال وزیر آموزش، راهنمایی، توصیه و کمک به هیئت‌های محلی آموزش را ارائه می‌کند و هیئت‌های آموزش استانی نیز عملکرد مشابهی را در خصوص هیئت‌های آموزش شهرداری‌ها انجام می‌دهند. راهنمایی‌ها، مشاوره‌ها و کمک‌های آژانس‌های سطح بالاتر معمولاً به‌عنوان دستورالعمل‌هایی توسط آژانس‌های سطح پایین‌تر دنبال می‌شود. در نتیجه با توصیه‌های غیررسمی از بالا، ساختار اداری تمایل دارد که به‌عنوان یک سیستم متمرکز عمل کند.

دهه ۱۹۹۰ شاهد اقدام‌هایی در زمینه سوق دادن نظام آموزشی به سمت آزادسازی بوده است. گزارشی که در سال ۱۹۹۸ شورای مرکزی آموزش تهیه و تحت عنوان «سیاست‌هایی درباره مدیریت آموزشی دولت‌های محلی» منتشر کرد در همین زمینه بوده است. این گزارش به‌عنوان پاسخ به پرسش وزیر آموزش در سال ۱۹۹۷ تهیه شده است، شامل چهار فصل است که به بازتعریف نقش‌های آموزشی دولت و هیئت‌های آموزشی، تقویت خودمختاری و ابتکار عمل واحدهای آموزشی و تقویت مشارکت جامعه در فعالیت‌های آموزشی اختصاص دارد. این گزارش نقش دولت ملی را روشن می‌کند و توصیه می‌کند که وزارتخانه عملکرد خود را در ارائه مشاوره دقیق به سطوح پایین‌تر محدود کند و همچنین مشارکت دولت‌های ملی و استان‌ها در فعالیت‌های شهرداری‌ها و واحدهای آموزشی به حداقل برسد (نیوبی^۱ و همکاران، ۲۰۰۹).

ب) تأمین مالی

هزینه‌های آموزشی برای فعالیت‌های مؤسسه‌های عمومی ملی و محلی آموزش عالی عمدتاً از سوی دولت‌های ملی و محلی تأمین می‌شود. درآمد حاصل از آزمون‌های ورودی، شهریه‌ها و غیره توسط مؤسسه‌های عمومی ملی و محلی به دولت‌های مربوطه تعلق می‌گیرد و نه به خود مؤسسه‌ها. در مؤسسه‌های خصوصی هزینه‌های دانشجویی و بودجه‌های خصوصی منابع اصلی مالی را تشکیل می‌دهند. همچنین در ژاپن بودجه موجود برای دانشگاه‌ها به‌طور عمده به سه نوع زیر تقسیم می‌شود: بودجه هزینه‌های اساسی، بودجه رقابتی برای فعالیت‌های پژوهشی و کمک مالی به دانشجویان. علاوه بر این تلاش‌ها برای افزایش بودجه مبتنی بر رقابت بین همه دانشگاه‌ها از جمله دولتی و خصوصی شدت یافته است. این نوع از توسعه سیستماتیک ساختار بودجه‌ریزی به دانشگاه‌ها این اجازه را می‌دهد تا کارکردهای خود را تخصصی کنند و از این طریق مزیت استراتژیک به‌دست آورند.

کمک‌های زیر به دانشگاه‌های ژاپن به‌عنوان هزینه‌های اساسی برای حمایت از سازمان‌هایی است که در زمینه زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی اعم از تأمین منابع انسانی و ایجاد محیط لازم برای آموزش و تحقیقات فعالیت می‌کنند. - کمک هزینه‌های مدیریت برای دانشگاه‌های ملی برای تأمین هزینه‌های مورد نیاز برای اطمینان از اینکه هر دانشگاه ملی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود را مطابق با اهداف و برنامه‌های میان‌مدت انجام می‌دهد، صورت می‌پذیرد؛

- کمک هزینه‌های نگهداری تجهیزات برای دانشگاه ملی که دانشگاه‌های ملی می‌توانند با آن امکانات خود را بازسازی کرده و گسترش دهند.

از سوی دیگر با توجه به اهمیت دانشگاه‌های خصوصی که حدود ۸۰ درصد از کل مؤسسه‌های آموزش عالی ژاپن را تشکیل می‌دهند، یارانه‌های دانشگاه‌های خصوصی با هدف حفظ و تأمین منابع آموزشی و پژوهشی این دانشگاه‌ها

تخصیص می‌یابد که می‌تواند موجب شود تا از بار مالی دانشجویان برای تحصیل در آنها کاسته شود و مدیریت این دسته از دانشگاه‌ها ارتقا یابد.

این بودجه‌ها، به‌رغم محدودیت‌های مالی، طبق آنچه در اصلاحیه هزینه دولت مشخص شده است، هر ساله تأمین می‌شود تا دانشگاه‌ها بتوانند کیفیت تحصیلات و تحقیقات خود را حفظ کرده و فعالیت‌های عالی آموزشی و پژوهشی را ادامه دهند. علاوه بر هزینه‌های اساسی، تلاش برای افزایش بودجه‌های رقابتی مانند «کمک‌های مالی برای تحقیقات دانشگاهی» که به تحقیقات خلاقانه و پیشگامانه کمک می‌کند نیز باید انجام شود. «کمک‌های مالی برای تحقیقات دانشگاهی» با هدف توسعه تحقیقات دانشگاهی براساس ایده خلاقانه محقق از اصول اولیه تا کاربرد در هر زمینه از علوم انسانی و علوم اجتماعی گرفته تا علوم طبیعی براساس بررسی همگانی ارائه می‌شود.

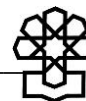
دولت‌های ملی و محلی (استان‌ها و شهرداری‌ها) بودجه آموزش را تأمین می‌کنند. هر سطح از دولت فعالیت‌های آموزشی خود را با مالیات و سایر درآمدها پشتیبانی می‌کند. در سال‌های اخیر دولت‌های ملی و محلی ۵/۷ درصد از درآمد ملی و ۱۵/۲ درصد از کل هزینه‌های عمومی را صرف آموزش کرده‌اند. هزینه مدارس ابتدایی و متوسطه، تقریباً نیمی از هزینه عمومی در آموزش را تشکیل می‌دهد و این نشان‌دهنده این واقعیت است که آموزش افراد لازم‌التعلیم در اولویت است. همچنین سیاست‌های آموزشی بیان می‌کنند که مسئولیت بخشی از آموزش با بخش خصوصی است. اما از آنجاکه بخش خصوصی تمایل دارد در آموزش عالی حضور داشته باشد، نسبت هزینه‌های عمومی در بخش آموزش عالی بسیار کمتر از آموزش و پرورش اجباری است (آموزش عالی در ژاپن، بی‌تا).

ج) ارزیابی و تضمین کیفیت

خودارزیابی اجباری: از سال ۱۹۹۱ همه دانشگاه‌ها ملزم به تلاش صادقانه برای اجرای خودارزیابی هستند. از سال ۱۹۹۹، اجرای خودارزیابی اجباری شده است و از سال ۲۰۰۴ این حکم به‌وضوح در قانون نیز آمده است. همه دانشگاه‌ها باید وضعیت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی مربوطه، مدیریت سازمانی و امکانات و تجهیزات را ارزیابی کرده و نتایج این ارزیابی را منتشر کنند.

سیستم تضمین کیفیت و اعتبارسنجی: در این سیستم که در سال ۲۰۰۴ معرفی شد، انجمن‌های تضمین کیفیت و اعتبارسنجی را باید وزیر آموزش، فرهنگ، ورزش، علوم و فناوری به‌طور رسمی تأیید کنند. دانشگاه‌ها به‌طور منظم مطابق با استانداردهایی که خودشان طراحی کرده‌اند بررسی می‌شوند و نتایج چنین فرایندی برای جامعه منتشر می‌شود. از طریق چنین فرایندی می‌توان به‌طور آشکار کیفیت دانشگاه‌ها را تضمین کرد و به آنها اعتبار بخشید و براساس چنین نتایجی آنها را تشویق به بهبود خود کرد. بر این اساس این سیستم وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش، علوم و فناوری (MEXT) مشخص می‌کند که چه سازمان‌هایی برای اجرای سیستم و مطابق با الزامات این وزارتخانه مجاز هستند. این سازمان‌ها با همان وظایف اقدام به فعالیت می‌کنند. سازمان‌های زیر به همین منظور تعیین شده‌اند.

- انجمن اعتباربخشی دانشگاه‌های ژاپنی؛
- مؤسسه ملی برای مدارک علمی و ارزیابی دانشگاهی؛
- مؤسسه ژاپنی برای ارزیابی آموزش عالی؛
- انجمن ژاپن برای اعتبارسنجی کالج؛



سازمان‌های حرفه‌ای مانند بنیاد حقوقی ژاپن، مؤسسه آموزش حسابداری بین‌المللی ژاپن و مؤسسه ارزیابی مامایی ژاپن نیز نقش مهمی در تضمین کیفیت آموزش در رشته‌های خود دارند.

سیستم جدید شامل جنبه‌های مختلفی است که برای اطمینان از کیفیت آموزش طراحی شده است:

۱. سیستم تأیید برای تأسیس دانشگاه‌ها: درخواست تأسیس یک مؤسسه مانند دانشگاه، دانشکده تحصیلات تکمیلی، کالج متوسطه یا کالج فناوری در MEXT ثبت می‌شود، شورای صدور پروانه دانشگاه و مدرسه بررسی می‌کنند که آیا درخواست در راستای استانداردهای تأسیس دانشگاه است. وزیر تصمیم نهایی برای تأیید را می‌گیرد.
۲. ارزیابی و اعتبارسنجی دارای گواهی: ارزیابی آموزش و پژوهش در مؤسسه‌های آموزش عالی توسط سازمان‌های تعیین شده از سوی MEXT از آوریل ۲۰۰۴. مؤسسه‌های آموزش عالی موظفند حداقل هر هفت سال یکبار این ارزیابی را انجام دهند، درحالی‌که دانشکده‌های تحصیلات تکمیلی حرفه‌ای هر پنج سال موظف به انجام این کار هستند.
۳. خودارزیابی: ارزیابی از خود از سال ۱۹۹۹ برای مؤسسه‌های آموزش عالی اجباری شده است. مؤسسه‌ها کیفیت خود را ارزیابی کرده و یافته‌ها را منتشر می‌کنند.^۱

۸. چین

الف) ساختار

بعد از تأسیس حکومت جمهوری خلق چین، در دهه ۱۹۵۰ نظام آموزشی آن نیز به مانند سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی به میزان زیادی تحت قیمومیت دولت مرکزی درآمد و بنابراین دولت مسئول سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف آموزش عالی شد، همچنین تأمین و تخصیص بودجه‌های نظام آموزشی این کشور در اختیار دولت قرار گرفت. به‌طور کلی ساختار نظام آموزشی چین تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش این کشور قرار دارد. این وزارتخانه سیاست‌های آموزشی را تدوین و ابلاغ می‌کند و مقامات آموزشی استان‌ها آن را اجرا می‌کنند. همه شهرها، کمیته‌ها و مجموعه‌های امور آموزشی مستقل دارند به‌طوری‌که در همه استان‌ها، شهرها و شهرستان‌های تابعه دفتر آموزش وجود دارد.

براساس تصمیماتی که کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از سال ۱۹۸۵ درباره اصلاح نظام آموزشی اتخاذ کرد، فرایند تمرکززدایی از آموزش عالی این کشور شروع شد. همچنین در سال ۱۹۹۳ این کمیته و دولت مرکزی، برنامه اصلاح و توسعه آموزش عالی چین را ارائه کردند، در این سند یکی از اساسی‌ترین سیاست‌های ملی دولت و حزب کمونیست ترغیب مؤسسه‌های اجتماعی و شهروندان برای تأسیس مراکز آموزشی براساس قانون ذکر شده است. پس از این اصلاحات در ماده (۱۴) قانون آموزش و پرورش این کشور اشاره شده است که آموزش عالی باید از طریق انجمن‌های ایالتی و حکومت‌های مردمی ولایت‌ها، نواحی خودمختار و شهرداری‌هایی که به‌طور مستقیم تحت حاکمیت دولت مرکزی قرار دارند اداره شوند، همچنین در زمینه فراهم کردن آموزش عالی در قانون آموزش عالی جمهوری خلق چین آمده است: دولت باید برنامه‌های توسعه آموزش عالی را تنظیم کند و اداره مؤسسه‌های آموزش عالی و ارتقای آن به روش‌های متنوع را سرلوحه کار خود قرار دهد، همچنین دولت باید همه بخش‌های اجتماعی مانند مؤسسه‌های تجاری و اقتصادی، مؤسسه‌های آموزشی، سازمان‌های

عمومی یا گروهی و همچنین شهروندان را تشویق کند تا مطابق قانون در امور آموزش عالی فعالانه مشارکت کرده و از توسعه آموزش عالی به‌طور همه‌جانبه حمایت کنند (لیاقت‌دار و نیکخواه، ۱۳۸۸: ۵۸).

ب) تأمین مالی

از آنجا که حکومت چین یک حکومت کمونیستی است، اصولاً بخش اعظم بودجه‌های مربوط به آموزش عالی نیز در این کشور باید از طریق دولت مرکزی تأمین شود. در بررسی این مهم مشخص شد در زمان تأسیس جمهوری خلق چین، پرداخت شهریه برای تحصیل در مراکز آموزش عالی این کشور آزاد بوده و هر فردی که از توانایی مالی برخوردار بوده و نیز تمایل داشته است، شهریه دانشگاه را پرداخت می‌کرد و سایر افراد به‌طور رایگان از آموزش عالی برخوردار می‌شدند. ولی در سال ۱۹۸۵ با تداوم سیاست اصلاح‌طلبانه نظام آموزشی، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مصوب کرد که دانشجویانی که در شمار برنامه‌های تحصیلی ملی قرار ندارند، باید هزینه تحصیل در مراکز آموزش عالی را بپردازند. در سندی دیگر در سال ۱۹۸۹ موسوم به تصمیمات و احکام ضروری شدن شهریه‌ها و تعیین میزان آن برای مؤسسه‌های آموزش عالی، این مهم قانونمند شد و در نهایت در سال ۱۹۹۳ و در پی اصلاح و توسعه نظام آموزشی چین مقرر شد که آموزش عالی از جمله آموزش‌های غیراجباری است، بنابراین دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل در آموزش عالی دارند، باید خود شهریه‌های مربوطه را بپردازند (لیاقت‌دار و نیکخواه، ۱۳۸۸).

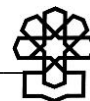
ج) ارزیابی و تضمین کیفیت

همه مؤسسه‌های آموزش عالی را در چین باید وزارت آموزش و پرورش تأیید کند. کمیته علمی شورای دولتی چین که بالاترین مقام اجرایی در امور مربوط به آموزش چین است، تمام دوره‌های آموزش در همه مقاطع را ارزیابی می‌کند و مؤسسه‌های آموزش عالی دارای صلاحیت برای صدور مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری و غیره را تعیین می‌کند. طبق قوانین ارزیابی تحصیلی در مؤسسه‌های آموزش عالی عمومی که در سال ۱۹۹۰ تصویب شده است، سه نوع سیستم تضمین کیفیت برای این مؤسسه‌ها در کشور چین وجود دارد:

۱. سیستم اعتباربخشی برای مؤسسه‌های آموزش عالی تازه‌تأسیس (از سال ۱۹۹۴): هدف این سیستم ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش به سطح استانداردهای دولتی بوده و جامعه هدف، آن دسته از مؤسسه‌های آموزش عالی است که پس از سال ۱۹۷۶ ایجاد شده‌اند. سطح مؤسسه‌ها در این نظام اعتباربخشی به چهار رتبه عالی، بسیار خوب، کافی و ناکافی تقسیم می‌شود.
۲. ارزیابی دوره‌ای کیفیت آموزشی مؤسسه‌های آموزش عالی (از سال ۱۹۹۶): از این روش به‌منظور ارزیابی حدود ۱۰۰ مؤسسه آموزش عالی برتر در چین استفاده می‌شود.
۳. ارزیابی در سطح استانی و ملی: از این ارزیابی که در سال ۱۹۹۹ به‌وجود آمده است برای رتبه‌بندی مؤسسه‌های آموزش عالی جهت تشویق و ایجاد رقابت بین آنها استفاده می‌شود. مؤسسه‌های برتر این ارزیابی، به فهرست مؤسسه‌های بند ۲ اضافه می‌شوند.

مسئولیت اجرای نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی چین برعهده مرکز ارزیابی آموزش عالی وزارت آموزش چین است که در سال ۲۰۰۴ از ادغام سه اداره شکل گرفته است. اهم وظایف این مرکز به شرح زیر است:

- تعریف برنامه‌های جامع و همکاری با سازمان‌های متخصص دیگر به‌منظور تعامل و تعریف یک سیستم؛



- تعریف یک سیستم با ترکیبی از مدل‌های ارزیابی داخلی و خارجی؛
 - ایجاد پایگاه اطلاعات برای نگهداری داده‌های مؤسسه‌های آموزش عالی که مربوط به زیرساخت‌ها و سایر امکانات بوده و در دسترس عموم قرار داشته باشد؛
 - به‌کارگیری گروهی از کارشناسان خبره برای انجام ارزیابی؛
 - ارزیابی مؤسسه‌های آموزش عالی به‌طور منظم هر پنج سال یک‌بار و به روشی استاندارد.
- این سیستم تضمین کیفیت فقط برای ارزیابی مؤسسه‌های آموزشی در سطح کارشناسی یا مؤسسه‌ها و کالج‌های مستقل و آزاد است، اما مسئولیت ارزیابی آنهایی که در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری فعال هستند، برعهده کمیته علمی وزارت آموزش است (مزینانی و پویا، ۱۳۹۷).

۹. کانادا

الف) ساختار

در کانادا قانون اساسی، مسئولیت آموزش عالی را برعهده استان‌های این کشور قرار داده است. براساس این قانون «در هر استان و برای هر استان، قانونگذار (قوه مقننه) می‌تواند منحصرأً برای آموزش و پرورش قانون وضع کند». در نتیجه این بند از قانون اساسی، یک سیستم آموزش متمایز - از جمله آموزش عالی - در هر استان به‌وجود آمده است. به‌عبارت‌دیگر سیستم غیرمتمرکز آموزش عالی کانادا منعکس‌کننده سیستم سیاسی گسترده این کشور است. یک فدراسیون که در آن دولت‌های استانی به‌جای تبعیت از دولت، با دولت فدرال برابر هستند. دولت‌های استانی به انجام مسئولیت‌های خود در اداره آموزش عالی که در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده پایبند هستند. نتیجه این تمرکززدایی سیاسی، تحول نظام‌های آموزش عالی استانی در مسیرهای مختلف است که تفاوت‌هایی را در ترتیبات نهادی در استان‌های مختلف ایجاد کرده است.

در این باره باید متذکر شد که در غیاب سیاست‌ها یا هماهنگی‌ها در سطح ملی، بحث در مورد آموزش عالی کانادا براساس ویژگی‌های ۱۰ استان مطرح می‌شود. در همین زمینه باید اشاره شود نقش دولت فدرال در آموزش عالی کانادا در طول زمان به میزان چشمگیری تغییر کرده است. این تغییر بیشتر در چگونگی حمایت و کمک‌های مالی به دانشگاه‌ها برمی‌گردد که در بازه‌های زمانی مختلف، متفاوت بوده است (کرس سا، ۲۰۱۶).

ب) تأمین مالی

مؤسسه‌های آموزش عالی در کانادا درآمد خود را عمدتاً از دو منبع دریافت می‌کنند: کمک هزینه‌های دولتی و شهریه. کمک هزینه‌های دولتی که مؤسسه‌ها دریافت می‌کنند در هر استان براساس مکانیسم‌های مختلف، تخصیص آن نیز متفاوت است. آنها غالباً بودجه‌هایی را در دل خود جای داده‌اند که ابتکارات خاص را تسهیل می‌کند. به‌عنوان مثال در انتاریو، بیشتر بودجه اعطایی براساس ارقام ثبت‌نام شده (سال قبل)، همراه با کمک‌های مالی خاص برای حمایت از ثبت‌نام‌های جدید (حدود ۹۰٪) است. مقدار بسیار کمتری (حدود ۱۰٪) براساس شاخص‌های عملکرد (مانند عملکرد تحصیلی، کسب جوایز، گرنت‌های پژوهشی، اشتغال فارغ‌التحصیلان و ...) و اقدام‌های سیاستی خاص (وزارت آموزش،

کالج‌ها و دانشگاه‌ها) است. مؤسسه‌ها تنها با کمک‌های مالی دولت نمی‌توانند نیازهای روزافزون خود را رفع کنند، از این‌رو دولت‌ها طی دو دهه گذشته این اجازه را به دانشگاه‌ها داده‌اند تا شهریه‌ها را افزایش دهند.

دولت فدرال عمدتاً با وام به دانشجویان نقش اساسی در حمایت مالی از آنان ایفا می‌کند. در بعضی از استان‌ها دولت فدرال و استان باهم همکاری می‌کنند تا از طریق وام کمک‌هزینه تحصیلی به دانشجویان کمک مالی کنند. اما با توجه به اهمیت روزافزون هزینه‌های شهریه‌ها، برای جبران کمک‌های مالی دولت، دولت فدرال نیز اقدام‌های دیگری را برای محدود کردن بدهی دانشجویان و پرداخت هزینه‌های تحصیلات عالی ارائه کرده است. یکی از ماندگارترین اقدام‌ها، برنامه پس‌انداز آموزش است. این برنامه که از سال ۱۹۷۲ شروع شده است خانواده‌ها را تشویق می‌کند که برای تحصیل فرزندان‌شان در دانشگاه در حساب‌های پس‌انداز ویژه که سود بدون مالیات دارد، پس‌انداز کنند.

دولت فدرال در تأمین بودجه تحقیقات نیز نقشی حیاتی دارد. سه آژانس اعطاکننده حمایت مالی فدرال بخش اعظم بودجه مورد نیاز برای تحقیقات دانشگاهی را تأمین می‌کنند: شورای تحقیقات علوم اجتماعی و علوم انسانی، شورای تحقیقات علوم طبیعی و مهندسی و مؤسسه تحقیقات سلامت کانادا. بودجه سالیانه شورای تحقیقات علوم اجتماعی و علوم انسانی ۳۵۰ میلیون دلار، شورای تحقیقات علوم طبیعی و مهندسی ۱۰۱ میلیارد دلار و مؤسسه تحقیقات سلامت کانادا ۱ میلیارد دلار. این کمک‌ها در راستای حمایت از بورس‌های تحصیلی، اقدام‌های تحقیقاتی و مشارکت‌های نوآورانه است. بدین ترتیب استان‌ها نقش فرعی در بودجه‌های تحقیقاتی ایفا می‌کنند که عموماً در زمینه‌های مربوط به فناوری‌های مرتبط با صنعت منطقه‌ای و همچنین تأمین بودجه متناسب با برنامه‌های دولت فدرال است (تکسیرا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

ج) ارزیابی و تضمین کیفیت

در نظام آموزش عالی کانادا یک نظام اعتبارسنجی مؤسسه‌ای وجود ندارد. موضوع اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی در این کشور در محدوده اختیارات سطح ملی و دولت فدرال نیست و اساساً بخشی از مسئولیت‌های سطح استانی و دانشگاهی به‌شمار می‌رود. نهادهای آموزش عالی در سطح استان هر یک بیانیه‌ای برای تضمین کیفیت در آموزش عالی دارند و شاخص‌ها و استانداردهای ارزیابی کیفیت (درونی و بیرونی) را با همکاری سازمان‌های حرفه‌ای و تخصصی تدوین کرده و مبنایی برای اعتبارسنجی قرار می‌دهند. به‌طور کلی اصول تضمین کیفیت در آموزش عالی کانادا عبارت است از:

- تضمین و بهبود کیفیت؛
- گستره و فراوانی بازدهی؛
- مشخصات کلیدی ارزشیابی؛
- اطلاع‌رسانی عمومی (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

تحت اختیارات فوق هر دانشگاه کانادایی در مسائل دانشگاهی مستقل است و استانداردها و رویه‌های تضمین کیفیت خود را تعیین می‌کند. این سیاست‌ها و رویه‌های سازمانی رسمی و شفاف هستند و با بررسی خارجی توسط سازمان‌های تضمین کیفیت استانی همراه هستند.



دانشگاه‌های کانادا برای تضمین کیفیت و بهبود مستمر برنامه‌های آکادمیک خود به شیوه‌ای شفاف و پاسخگو تلاش می‌کنند. این بدین معناست که هر مؤسسه سیاست‌ها و رویه‌های تضمین کیفیت درونی دوره‌ای را ایجاد کرده و حفظ می‌کند که منجر به ارتقای فرهنگ کیفیت در دانشگاه می‌شود. از آنجا که مسئولیت کیفیت برنامه‌های دانشگاهی کانادا با دولت‌های استانی مربوطه مشترک است، این سیاست‌های درونی در چارچوب بررسی‌های بیرونی از سوی مقامات استانی یا منطقه‌ای انجام می‌شود. شورای دانشگاه‌های انتاریو در زمینه تضمین کیفیت^۱ (به‌طور خلاصه شورای کیفیت) مثالی از یک نهاد استانی در این خصوص است که در سال ۲۰۱۰ تأسیس شده و مسئول نظارت بر فرایندهای چارچوب تضمین کیفیت برای دانشگاه‌های انتاریو است. این شورا هم از دانشگاه‌ها و هم از دولت استانی مستقل می‌باشد. خط‌مشی‌ها و رویه‌های تضمین کیفیت داخلی در بین مؤسسه‌ها متفاوت است، اما آنها عمدتاً بر بررسی دوره‌های تحصیلی متمرکز هستند که مبتنی بر خودارزیابی و بررسی همتاست. برخی از اقدام‌های دانشگاه‌ها در این زمینه شامل موارد زیر است:

- بازنگری اجباری همه برنامه‌های جدید و اصلاح شده اساسی توسط مجلس سنای دانشگاه یا سایر بدنه مدیریتی دانشگاه؛
- ارزشیابی برنامه درسی؛
- نظرسنجی از رضایت دانشجویان؛
- بررسی برنامه‌ها توسط همتایان بیرونی در همان رشته؛
- انتشار عمومی فرایند و نتایج ارزیابی کیفیت.^۲

۱۰. هلند

الف) ساختار

یکی از ویژگی‌های بارز سیستم آموزشی هلند این است که سیاست آموزش متمرکز را با مدیریت و اداره غیرمتمرکز در سطح دانشگاه‌ها ترکیب می‌کند. با توجه به مفاد قانون اساسی این کشور، دولت مرکزی از طریق قانونگذاری که هم برای مؤسسه‌های دولتی و هم خصوصی اعمال می‌شود شرایط را برای آموزش فراهم می‌آورد. در این بین مشارکت مقامات استانی به شکل نظارت قانونی و قضایی در برابر مؤسسه‌های دولتی و خصوصی است. مقامات شهرداری نیز به‌عنوان مرجع محلی برای همه مؤسسه‌های منطقه، از نظر قانونی، مسئولیت‌های مشخصی در قبال آنها دارند. اما مسئولیت کلی سیستم آموزشی برعهده دولت، به‌ویژه وزیر آموزش، فرهنگ و علوم و وزیر ایالت برای آموزش، فرهنگ و علوم است.^۳ همچنین دولت چارچوبی را تعیین می‌کند که مؤسسه‌های آموزش عالی (مراکز آموزش عالی حرفه‌ای و دانشگاه‌ها) باید در آن چارچوب فعالیت کنند. نقش مقامات استانی در آموزش محدود به فعالیت‌های نظارتی و قانونی است. سیستم هلندی از یک سو بسیار متمرکز و از سوی دیگر به‌شدت غیرمتمرکز است.^۴ برای انجام امور مربوط به آموزش

1. The Ontario Universities Council on Quality Assurance

2. <https://www.univcan.ca/universities/quality-assurance/the-role-of-universities-in-quality-assurance/>

3. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/administration-and-governance-central-and-or-regional-level-53_en

4. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/netherlands_en

در وزارت آموزش، فرهنگ و علوم دپارتمان‌های سیاستگذاری وجود دارد که مسئولیت توسعه سیاست در زمینه علوم و بخش‌های مختلف آموزش را دارند. این دپارتمان‌ها به شرح زیر است:

- گروه آموزش ابتدایی؛
- گروه آموزش متوسطه؛
- گروه آموزش بزرگسالان و آموزش حرفه‌ای؛
- دپارتمان آموزش عالی و امور مالی دانشجویان؛
- دپارتمان سیاست علوم و تحقیقات؛

هریک از دپارتمان‌های فوق مسئول یک زمینه خاص از آموزش است و ارتباط خود را با نهادهای موجود در آن زمینه حفظ می‌کند. سایر دپارتمان‌ها مانند سیاست بین‌الملل، قانونگذاری و امور حقوقی مسئول امور مربوط به همه زمینه‌های آموزشی هستند.^۱

ب) تأمین مالی

کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی بودجه دولتی بلوکی^۲ دریافت می‌کنند. بودجه بلوکی به آن نوع از بودجه اشاره دارد که به صورت یکجا و برای پوشش چندین دسته از هزینه‌ها (مانند هزینه‌های آموزشی، جاری، تحقیقاتی و ...) در اختیار مؤسسه قرار داده می‌شود. محل مصرف این نوع بودجه از قبل مشخص نبوده و مؤسسه‌ها عمدتاً مسئول تقسیم و توزیع داخلی آن هستند.^۳

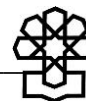
سپس آنها آزاد هستند که تصمیم بگیرند چگونه از این پول برای تأمین هزینه‌های خود (پرسنل، تجهیزات و ...) استفاده کنند. بودجه آموزش عالی را هر ساله دولت تعیین می‌کند. علاوه بر این، این مؤسسه‌ها از دانشجویان ثبت‌نام شده شهریه نیز دریافت می‌کنند. دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی بودجه دولتی را برای تهیه برنامه‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد، پژوهش، طراحی و توسعه بخش‌های مؤسسه و برای تحقیقات یا برنامه‌های همکاری با بیمارستان‌های دانشگاه دریافت می‌کنند. همه مؤسسه‌های گیرنده باید از سوی سازمان اعتباربخشی هلند - فلاندرز معتبر شناخته شوند، یعنی ارزیابی و تأیید شوند. همچنین دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی بخشی از بودجه خود را از کسب‌وکارها یا مؤسسه‌های تحقیقاتی غیرانتفاعی دریافت می‌کنند. همچنین دولت فقط برای آن دسته از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی که نام آنها در قانون آموزش عالی و تحقیقات ذکر شده، تأمین بودجه می‌کند. مؤسسه‌هایی که در این فهرست جای ندارند و خواهان بودجه دولتی هستند می‌توانند از وزارت آموزش، فرهنگ و علوم آن را درخواست و پیگیری کنند. نظارت مالی بر آموزش عالی نیز توسط قانون آموزش عالی و تحقیقات و قانون بازرسی آموزش مقرر شده است. طبق این قانون همه مؤسسه‌های آموزش عالی که بودجه دولتی دریافت می‌کنند، باید گزارش سالیانه‌ای را تهیه کنند که در آن سیاست‌های مالی و سایر سیاست‌های خود را گزارش کرده و دولت را در مورد عملکرد آموزشی خود آگاه کند.^۴

1. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/administration-and-governance-central-and-or-regional-level-53_en

2. Block Budget/ Found

3. OECD (2020), Resourcing Higher Education: Challenges, Choices and Consequences,

4. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-funding-53_en



ج) ارزیابی و تضمین کیفیت

دولت هلند بر این اعتقاد است که کیفیت آموزش عالی نه تنها باید تضمین شود بلکه به طور مستمر نیز بهبود یابد. نهادهای آموزشی و برنامه‌های آنها در درجه اول مسئول این مهم هستند، اما دولت نیز مراقب این امر است. مهم‌ترین ابزار دولتی برای تضمین کیفیت بیرونی در آموزش عالی، سیستم اعتباربخشی است.

ارگان‌های مسئول: مؤسسه‌های آموزش عالی مسئول کیفیت آموزشی هستند که ارائه می‌دهند. وزیر آموزش، فرهنگ و علوم مسئول کیفیت آموزش در سطح سیستم است. نظارت بر آموزش عالی در قانون آموزش عالی و تحقیقات و بازرسی آموزشی دیده شده است. نظارت نقش مهمی در سازمان اعتباربخشی هلند - فلاندرز و سازمان بازرسی آموزشی آنها دارد. در مؤسسه‌های آموزشی نیز، هیئت‌های مشارکت کارکنان از جمله دانشجویان و هیئت نظارت بر کیفیت آنها نظارت می‌کنند.

رویکردها و روش‌های تضمین کیفیت: ارزیابی بیرونی؛ طبق قانون آموزش عالی و تحقیقات، وظیفه نظارت بر آموزش عالی تحت اختیار وزیر آموزش، فرهنگ و علوم و برعهده سازمان بازرسی آموزشی است. سازمان بازرسی بر هریک از مؤسسه‌ها به طور جداگانه و به کل سیستم از طریق سیستم اعتباربخشی نظارت می‌کند.

سیستم اعتباربخشی در هلند در سال ۲۰۰۳ معرفی شده است. اعتبار دادن یک نشان از طرف دولت است که بیان می‌کند کیفیت آموزش توسط نهاد ارزیابی‌کننده مثبت ارزیابی شده است. برنامه‌های تحصیلی در هلند هر ۶ سال یکبار توسط کمیته‌ای از متخصصان بیرونی و مستقل به منظور تضمین کیفیت ارزیابی می‌شود. نتیجه این بررسی (ارزیابی همکار) به عنوان پایه‌ای برای اعطای اعتبار یا حفظ آن شناخته می‌شود. الزامات قانونی تا حدی متفاوت برای اعتباربخشی برنامه‌های جدید نسبت به برنامه‌های موجود اعمال می‌شود. در همه موارد سازمان اعتباربخشی هلند - فلاندرز ارزیابی کمیته مذکور را تأیید می‌کند و وظیفه تعیین اینکه آیا برنامه‌های منتهی به مدرک دانشگاهی هنوز دارای اعتبار هستند یا نه را برعهده دارد. همچنین روال مشابهی در مورد ممیزی کیفیت مؤسسه‌ها اعمال می‌شود که در آن تضمین کیفیت درونی مؤسسه به صورت کلی ارزیابی می‌شود. مؤسسه‌ها می‌توانند به منظور آگاهی از کیفیت درونی خود به صورت داوطلبانه درخواست ارزیابی دهند. نتیجه مثبت در ارزیابی درونی، ارزیابی محدودتر در ارزیابی اعتباربخشی را به دنبال دارد. همچنین وزیر آموزش، فرهنگ و علوم هلند به اصول اروپایی برای تضمین کیفیت در آموزش عالی متعهد شده است. این موارد در استانداردها و دستورالعمل‌های تضمین کیفیت یا آموزش عالی در منطقه آموزش عالی اروپا آمده است. بدین ترتیب سیستم تضمین کیفیت هلند مطابق با الزامات تعیین شده در دستورالعمل‌ها و استانداردهای اروپایی است.^۱

1. https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/quality-assurance-higher-education-47_en

بررسی مؤلفه‌های ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی ایران

ساختار اداری

نظام آموزش عالی ایران را می‌توان یکی از نمونه‌های منحصربه‌فرد از جنبه ساختار اداری در میان سایر نظام‌های آموزش عالی به‌شمار آورد. بررسی نهادهای تصمیم‌گیر و سیاستگذار نشان می‌دهد این حوزه با تعدد نهادهای تصمیم‌گیر مواجه است. شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مجلس شورای اسلامی (کمیسیون آموزش و تحقیقات)، مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور و همچنین دانشگاه آزاد اسلامی (در حدود اختیارات خود) نهادهایی هستند که با تصمیمات خود نظام آموزش عالی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آنچه که مشخص است، وجود موازی‌کاری‌ها (موازی‌کاری در مراحل مختلف فرایند سیاستگذاری به‌ویژه مراحل دستور کارگذاری و اجرای سیاست‌ها؛ برای مثال دیگر چندین نهاد خود را مسئول اجرای قوانین می‌دانند) و تداخلی است که نهادهای مذکور دارند و این مسئله همچنان به قوت خود باقی است. این در حالی است که در اسناد بالادستی همچون نقشه جامع علمی کشور (راهبرد کلان ۱؛ راهبرد ملی ۳ از راهبرد کلان ۱؛ راهبرد ملی ۵ از راهبرد کلان ۱؛ اقدام ملی ۲ از راهبرد کلان ۱؛ راهبرد ملی ۲ از راهبرد کلان ۶)، سیاست‌های کلی علم و فناوری (بند ۲؛ بند ۱-۲)، سند دانشگاه اسلامی (اقدام ۱۴ از راهبرد ۱۷) و سیاست‌ها و ضوابط اجرایی حاکم بر آمایش آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران (ماده ۲) بر انسجام‌بخشی در مراحل سیاستگذاری و برنامه‌ریزی تأکید شده است. به‌طور کلی در یک جمع‌بندی از این اسناد می‌توان گفت اغلب آنها بر انسجام‌بخشی از طریق اصلاح ساختار اداری تأکید کرده‌اند و این بدین‌معناست که ساختار اداری این حوزه وضعیت مناسبی ندارد. در همین زمینه بررسی قوانین تشکیل یا اساسنامه‌های نهادهای تصمیم‌گیر و سیاستگذار نیز نشان می‌دهد منشأ شکل‌گیری آنها از قوانین مختلفی است. همچنین یکی از تأکیدات این اسناد یکپارچه‌سازی قوانین مربوط به اداره کردن نظام آموزش عالی است که تاکنون محقق نشده است. بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت با توجه به ماهیت حقوقی نهادهای سیاستگذار، تصمیم‌گیر و اجرایی فوق که دولتی است ساختار اداره کردن نظام آموزش عالی ایران، ساختاری دولتی و به میزان چشمگیری متمرکز است. البته درخصوص اداره دانشگاه‌ها، با توجه به مصوباتی همچون «قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی» توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، بند «الف» ماده (۴۹) قانون برنامه چهارم توسعه، بند «ب» ماده (۲۰) قانون برنامه پنجم توسعه و ماده (۱) احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور توسط مجلس شورای اسلامی، اختیارات بسیاری در راستای استقلال مالی و اداری به دانشگاه‌ها اعطا شده است. هرچند در موارد متعددی نیز این اختیارات از سوی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های متمرکز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شورای عالی انقلاب فرهنگی محدود شده است.

تأمین مالی

تأمین مالی نظام آموزش عالی ایران در دوره‌های مختلف با توجه به میزان گسترش آن از منابع مختلفی بوده است. با تقسیم نظام آموزش عالی به دو بخش دولتی و غیردولتی شاید بهتر بتوان منابع مالی این حوزه را مورد بررسی قرار داد. منابع مالی بخش دولتی اغلب از بودجه عمومی دولت و تحت عناوین اعتبارات هزینه‌ای، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای



و اعتبارات اختصاصی (از طریق شهریه دانشجویان دوره‌های شبانه، پردیس، ارائه خدمات به جامعه، قراردادهای مختلف پژوهشی، خدماتی و ... تأمین می‌شود) به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی اختصاص می‌یابد. اما دانشگاه‌های غیردولتی اغلب منابع مالی خود را از محل شهریه‌های دانشجویی تأمین می‌کنند که در کنار آن نیز کمک‌های ناچیزی از سوی دولت به طرق مختلف صورت می‌پذیرد. بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت منابع مالی عمده در آموزش عالی ایران بر دو پایه بودجه عمومی دولت (برای دانشگاه‌های دولتی) و شهریه دانشجویی (هم دانشگاه‌های دولتی و هم دانشگاه‌های غیردولتی) است. بنابراین با توجه به آخرین آمار مربوط به تعداد دانشجویان در حال تحصیل در نظام آموزش عالی کشور که توسط مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی منتشر شده است، حدود ۱ میلیون و ۳۸۵ هزار دانشجو در دانشگاه‌های غیردولتی (دانشگاه آزاد و مؤسسه‌های غیرانتفاعی)، ۴۱۰ هزار نفر در دانشگاه پیام نور و ۲۲۵ هزار نفر در واحدهای مختلف دانشگاه علمی - کاربردی (که بخش بسیاری از منابع آنها از طریق دریافت شهریه از دانشجویان تأمین می‌شود) مشغول به تحصیل می‌باشند. با در نظر گرفتن تعداد حدود ۳ میلیون و ۱۶۰ هزار نفر دانشجویی در کل کشور، حدود ۶۴٪ از کل دانشجویان کشور شهریه پرداز به‌شمار می‌روند. بنابراین می‌توان گفت بیش از نیمی از منابع مالی نظام آموزش عالی ایران از شهریه دانشجویان تأمین می‌شود.

ارزیابی و تضمین کیفیت

- ساختار نظارت و ارزیابی در نظام آموزش عالی ایران در سال ۱۳۶۵ با ایجاد دفتر نظارت و سنجش در وزارت فرهنگ و آموزش عالی شکل گرفته است. در سال ۱۳۷۰ تشکیلات فوق به دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی تغییر نام داده علاوه بر ایجاد «شورای نظارت و ارزیابی» برای هر دانشگاه نیز یک دفتر نظارت و ارزیابی در نظر گرفته شده است.^۱ در سال ۱۳۹۱ این دفتر به «مرکز نظارت و ارزیابی» آموزش عالی ارتقا یافت و در سال ۱۳۹۵ به مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت تغییر یافت. این مرکز وظایف متعددی را برعهده دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

- طراحی و تدوین سیاست‌ها، برنامه‌های راهبردی، عملیاتی و امور اجرایی نظام نظارت و ارزیابی به‌منظور ارتقا و بهبود کیفیت نظام آموزش عالی، پژوهش و فناوری براساس اسناد بالادستی؛
- مطالعه، تدوین و بازنگری در الگوی نظارت و ارزیابی در زیرنظام‌های آموزش عالی، پژوهشی و فناوری، اعم از اجرایی، آموزشی، پژوهشی، فناوری، دانشجویی، فرهنگی و اجتماعی و امور بین‌الملل؛
- نظارت مستمر بر فعالیت دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، پژوهشی و فناوری کشور، اعم از دولتی، غیردولتی و آزاد در امور اجرایی، آموزشی، پژوهشی، فناوری، دانشجویی، فرهنگی و اجتماعی و امور بین‌الملل و انجام ارزیابی عملکرد آنها و ارائه گزارش‌های تخصصی به مقام عالی وزارت؛^۲

- و ...

۱. حاتمی، محمدی و اسحاقی (۱۳۹۰). چالش ساختارسازی برای نظارت و ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی ایران.

2. <https://nezarat.msrt.ir/fa/page/1825/>

همچنین درباره ساختار این مرکز باید عنوان شود که شامل سه معاونت برای نظارت و ارزیابی مؤسسه‌های آموزش عالی دولتی، غیردولتی و پژوهش و فناوری است. همچنین هیئت‌های نظارت استانی نیز ذیل مرکز به انجام فعالیت می‌پردازد.

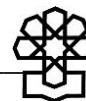
در همین زمینه دفاتر نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها نیز وظایف و مسئولیت‌های بسیاری در دانشگاه‌ها برعهده دارند. در ادامه برخی از وظایف دفتر نظارت و ارزیابی دانشگاه خواجه نصرالدین طوسی به‌عنوان نمونه اشاره شده است:

- ارزیابی و ارتقای کیفیت آموزشی در دانشگاه؛
- نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های آموزشی؛
- ارزیابی دوره‌ای کیفیت آموزشی از طرف دانشجویان، دانش‌آموختگان و اعضای هیئت علمی؛
- بررسی و نظارت بر روند فعالیت‌های پژوهشی گروه‌های تخصصی^۱؛
- و ...

بررسی وظایف و مأموریت‌های تعیین شده برای مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همچنین دفاتر نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها، نشان از اهتمام آنها بر ارزیابی و نظارت بر فرایندها و عملکردهای دانشگاهی است، اما نکته اساسی را می‌توان در خصوص استفاده از نتایج این ارزیابی‌ها در تصمیمات در سطوح مختلف نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها عنوان کرد، چراکه تا زمانی که نتایج این ارزیابی‌ها در تصمیمات اتخاذ شده جایی نداشته باشند، انجام ارزیابی‌ها نیز فایده چندانی نخواهد داشت.

مقایسه عملکرد نظام‌های دانشگاهی

در گزارش حاضر به بررسی نظام‌های آموزش عالی ۱۰ کشور (به همراه ایران) از سه جنبه ساختار، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت پرداخته شد که در جدول زیر به‌منظور سهولت در مقایسه، اهم یافته‌های حاصل به‌طور خلاصه ارائه شده است.



جدول ۲. وضعیت نظام‌های آموزش عالی ۱۰ کشور از سه جنبه ساختار اداره کردن،

تأمین مالی و سیستم ارزیابی و تضمین کیفیت

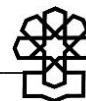
| کشور | ساختار اداره کردن | تأمین مالی | سیستم ارزیابی و تضمین کیفیت |
|---------------------|--|---|--|
| آلمان | توسط لندرها (ایالت‌ها)، سهم کم دولت فدرال | - تأمین توسط لندرها | - توسط آژانس‌های ارزیابی در سطح منطقه و ایالت؛ و توسط شبکه‌ها و انجمن‌های مؤسسه‌های آموزش عالی - ارزیابی درونی و بیرونی - نظارت بر امور مدیریت کارکنان، اقتصادی، بودجه و ... |
| فرانسه | توسط دولت و به صورت متمرکز اداره می‌شود | - تأمین توسط چند بازیگر: دولت؛ خانواده‌ها؛ شرکت‌ها - بودجه آموزش عالی در اختیار ۶ وزارتخانه است | - توسط اداره مستقل دولتی: شورای عالی ارزیابی تحقیقات و آموزش - ارزیابی درونی و بیرونی |
| استرالیا | توسط ایالت‌ها | تأمین توسط دولت فدرال و درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها | - وجود دو سیستم فدرالی برای ارزیابی: ۱. سیستم کیفیت آموزش عالی و آژانس استانداردها؛ ۲. سیستم کیفیت پژوهش استرالیا |
| انگلستان | توسط دولت و از طریق دپارتمان آموزش | - منابع عمده بودجه شامل: شهریه‌ها و قراردادهای آموزشی، کمک‌های مالی، قراردادهای و کمک‌های مالی پژوهشی | - اداره دانشجویان (یک اداره دولتی) مسئول تنظیم‌گری این بخش است. - ارزیابی درونی و بیرونی |
| ایالات متحده آمریکا | توسط ایالت‌ها نقش دولت فدرال: حمایت‌کننده مالی | - اعتبارات دولتی - شهریه‌های دانشجویی | - توسط سازمان‌های اعتبارسنجی ملی و منطقه‌ای - از طریق خودارزیابی مؤسسه‌ها و ارزیابی همتایان (ارزیابی درونی و بیرونی) |
| کره جنوبی | وزارت آموزش متولی اصلی سیاستگذاری و اجرای قوانین است | - بخش اعظم بودجه دانشگاه‌های دولتی (۷۰٪) از طریق دولت و مابقی از طریق شهریه‌های دانشجویی تأمین می‌شود | - در سطح ملی از طریق مکانیسم‌های اعتبارسنجی - از طریق خودارزیابی و ارزیابی همتا |
| ژاپن | وزارت آموزش، علوم، ورزش و فرهنگ اختیار بیشتر فعالیت‌های آموزشی را دارد. از طریق توصیه‌های غیررسمی از بالا، ساختار اداری تمایل دارد به عنوان یک سیستم متمرکز عمل کند. | - توسط دولت‌های ملی و محلی | - سیستم تضمین کیفیت و اعتبارسنجی خودارزیابی اجباری |
| چین | دولت نقش اصلی سیاستگذاری و تنظیم‌گری را دارد | بخش اعظم از طریق دولت مرکزی بخشی نیز با شهریه‌های دانشجویی | ارزیابی تحت نظر کمیته علمی شورای دولتی چین و توسط مرکز ارزیابی آموزش عالی وزارت آموزش انجام می‌شود |
| کانادا | اداره آموزش عالی برعهده دولت‌های استانی است | دولت فدرال بخش اعظم بودجه تحقیقات و بخشی از هزینه‌های تحصیلی را از طریق وام تأمین می‌کند | اعتبارسنجی در سطح استانی و دانشگاهی است که به صورت ارزیابی درونی و بیرونی انجام می‌شود |
| هلند | مسئولیت کلی برعهده دولت و وزیر آموزش و فرهنگ در سطح اول و وزیر ایالت در سطح دوم است | بودجه دانشگاه‌ها به صورت بلاک فاند توسط دولت تأمین می‌شود. همچنین مؤسسه‌های آزاد هستند تا از دانشجویان شهریه دریافت کنند. | استفاده از یک سیستم اعتبارسنجی که تحت اختیار وزیر آموزش و فرهنگ است، همچنین ارزیابی درونی از طریق سیستم ممیزی کیفیت مؤسسه‌ها |
| ایران | دولت نقش اصلی را در سیاستگذاری و اداره آموزش عالی دارد | بودجه دانشگاه‌های دولتی به شیوه سرانه‌محور و توسط دولت تأمین می‌شود، و سایر دانشگاه‌ها مبتنی بر شهریه دانشجویی است | از سوی مرکز ارزیابی، نظارت و تضمین کیفیت وزارت علوم و دفاتر ارزیابی و نظارت دانشگاه‌ها و هیئت‌های استانی انجام می‌شود |

به‌طور کلی داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد در اغلب کشورهای مورد بررسی دولت‌ها نقش اصلی را در سیاستگذاری و اداره نظام آموزش عالی برعهده دارند. هرچند در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا و آلمان نقش دولت‌های محلی ویژه‌تر است، اما نمی‌توان جهت‌دهی بر عملکرد دانشگاه‌ها را از طریق کمک‌های مالی دولت‌های فدرال نادیده گرفت. بنابراین شیوه تأمین مالی خود ایزاری برای هدایت و اداره نظام آموزش عالی به‌شمار می‌رود که برخی کشورها حداکثر استفاده را از آن می‌کنند. در بررسی مؤلفه تأمین مالی، آنچه که از جدول فوق می‌توان دریافت، چگونگی تأمین مالی دانشگاه‌هاست که عمده آنها از طریق منابع دولتی و شهریه‌های دانشجویی است، اما آنچه که میان نظام‌های آموزش عالی متفاوت است، شیوه تخصیص منابع است که در برخی به‌صورت وام در اختیار دانشجویان، در برخی به‌صورت بلاک فاند در اختیار دانشگاه و در ایران به‌صورت سرانه‌محور در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد. از نظر مؤلفه ارزیابی و تضمین کیفیت نیز می‌توان گفت دو نوع ارزیابی درونی و بیرونی از سوی نظام‌های آموزش عالی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در اینجا نیز نکته مهم به نهاد ارزیابی‌کننده و استفاده از نتایج آن در تصمیمات آتی مربوط می‌شود. نهادهای ارزیاب در کشورهای مورد بررسی اغلب دولتی (فدرال یا ایالتی) اما دارای استقلال در انجام فعالیت‌ها و ارائه گزارش‌ها می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس بررسی انجام شده ۶ کشور (فرانسه، انگلستان، کره جنوبی، ژاپن، چین و هلند) از ۱۰ کشور بررسی شده دارای ساختاری هستند که دولت مرکزی نقش اصلی در حکمرانی آموزش عالی را برعهده دارد، البته این نقش بیشتر در مقام سیاستگذاری کلان و تنظیم‌گری این حوزه نمایان است و سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی اغلب توسط مؤسسه‌های آموزش عالی پیگیری می‌شود. از سوی دیگر در چهار کشور (آلمان، استرالیا، ایالات متحده آمریکا و کانادا) شاهد ساختاری هستیم که ایالت‌ها و دولت‌های محلی مسئولیت آموزش عالی را برعهده دارند. بنابراین به‌طور کلی درباره مؤلفه‌های مورد بررسی در حکمرانی نظام‌های آموزش عالی کشورهای مورد مطالعه و سازوکارهای آنها برای اداره کردن، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت، باید اشاره شود، هر کشور با توجه به ساختار سیاسی و تقسیمات سیاسی خود اقدام به شکل‌دهی و تنظیم ساختار و چگونگی ارتباط مؤلفه‌های مطرح شده در حوزه آموزش عالی کرده است که به بروز تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان کشورها شده است. همچنین علاوه بر آن سنت‌های دانشگاهی و شیوه حکمرانی شکل‌گرفته براساس آنها، عامل دیگری است که بر کارکرد کلی سیستم اثرگذار است و به هنگام تجزیه و تحلیل باید در نظر گرفته شود.

در این باره بررسی نظام آموزش عالی ایران و کژکارکردی‌هایی مانند منسجم نبودن ساختار سیاستگذاری، مشکلات نظام تأمین مالی و تخصیص آن (که مبتنی بر عملکرد نبوده و در شرایط موجود نیز بخش اعظمی از کل منابع مالی این حوزه از شهریه‌های دانشجویی تأمین می‌شود)، خروجی‌های نامشخص نظام ارزیابی، نظارت و تضمین کیفیت و عدم ابتنای تصمیمات بر نتایج ارزیابی و ... نشان از مسائل موجود در سه حوزه مورد بررسی دارد.



با توجه به ماهیت مؤلفه‌ها و بررسی آن در نظام‌های آموزش عالی ۱۰ کشور فوق، می‌توان ادعا کرد مؤلفه ارزیابی و تضمین کیفیت، قابلیت بیشتری نسبت به دو مؤلفه دیگر برای اصلاح سیستم دارد. در این باره باید به این نکته اشاره شود که وجود یک نظام ارزیابی و نظارت دقیق و همه‌جانبه که علاوه بر کیفیت آموزش، کیفیت ورودی، فرایند و خروجی‌های نظام آموزش عالی را بررسی می‌کند، این ظرفیت را دارد که تهیه گزارش‌های تصمیم‌گیران در سطوح مختلف را نسبت به عملکرد کل نظام آموزش عالی یا دانشگاه‌ها آگاه کند، تا از این طریق تصمیمات عالمانه‌ای اتخاذ شود. همچنین با اتصال نتایج ارزیابی‌ها به بخش ورودی‌های دانشگاه‌ها شامل بودجه، پذیرش دانشجو و جذب اعضای هیئت علمی، می‌توان اثرگذاری آن را نیز تضمین کرد.

علاوه بر این مطالعه تطبیقی صورت گرفته، حاوی برخی نکات اساسی است که باید به‌صورت جداگانه به آنها پرداخته شود، و از آنجاکه توجه به این نکات می‌تواند در سیاستگذاری نظام آموزش عالی مؤثر واقع شود، از این رو تحت عنوان دلالت‌های سیاستی مورد توجه قرار گرفته است. به‌عبارت‌دیگر دلالت‌های سیاستی حاوی نکات و گزاره‌هایی است که از مطالعه تطبیقی حاضر احصا شده و می‌تواند در حوزه‌های مشخص شده موجب گسترش افق دید سیاستگذاران و تصمیم‌گیران شود.

یافته‌های سیاستی

- **بسته‌های سیاستی منسجم و همسو به‌جای سیاست‌های پراکنده:** کارآمدی نظام حکمرانی و اداری آموزش عالی تنها به کارآمدی یک مؤلفه بستگی ندارد، بلکه ترکیبی از مؤلفه‌های حکمرانی (که در این گزارش سه مورد از آنها مورد بررسی قرار گرفت) می‌تواند به کارآمدی یا ناکارآمدی در شاخص یا شاخص‌هایی منجر شود. از این رو به‌منظور ایجاد تحول در نظام آموزش عالی نیاز به طراحی بسته‌های سیاستی است که از آن طریق بتوان هم‌زمان از چند منظر و به‌صورت هم‌افزا به اصلاحات اقدام کرد.

- **دستیابی به مدلی از میزان تمرکز / عدم تمرکز در ساختار اداری:** بیشتر نظام‌های آموزش عالی از نظر ساختار اداره کردن به‌صورت ترکیبی از نوع متمرکز و غیرمتمرکز عمل می‌کنند. به این صورت که وزارتخانه‌ها مسئول سیاستگذاری و هدایت‌گری بوده و چارچوب کلی عملکرد نظام آموزش عالی را تعیین می‌کنند و استان‌ها و ایالت‌ها در سطح منطقه‌ای و محلی مسئولیت اداره و تعیین ضوابط این حوزه را برعهده دارند. البته این موضوع در حوزه‌های مختلف متفاوت است. برای مثال تأمین مالی دانشگاه‌ها بدون حمایت دولت‌های مرکزی یا فدرال تا اندازه زیادی خارج از تصور است، دولت‌های مرکزی از پژوهش‌ها (به‌ویژه پژوهش‌های بنیادین و آن دسته از پژوهش‌هایی که برای بازار جذابیت ندارد) حمایت لازم و کافی را دارند و در امر آموزش نیز با وام‌ها و کمک‌های مالی به حمایت از دانشجویان می‌پردازند. از این رو به‌نظر می‌رسد بررسی مدلی از تأمین مالی که در آن دولت هزینه‌های فعالیت‌های آموزشی را متقبل شده و دانشگاه‌ها خود تأمین‌کننده هزینه‌های پژوهشی از طریق قرارداد با صنعت و ... باشند می‌تواند تحرک بیشتری به دانشگاه‌ها در راستای توجه به نیازها و مسائل کشور و استفاده از ظرفیت اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی بدهد.

- **انسجام‌بخشی به ساختارهای اداری (ادغام/ یکپارچه‌سازی):** از نکات برجسته در ساختار اداری برخی از کشورهای مورد بررسی، وجود یک وزارتخانه برای اداره حوزه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی (به‌ویژه آموزش پزشکی و غیرپزشکی) و حتی در برخی موارد امور مربوط به جوانان و ورزش است که می‌تواند به انسجام بیشتر در فرایند سیاستگذاری، وحدت و هماهنگی در اهداف و برنامه‌ها، ارتباط مستحکم‌تر نهادها در زمان اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها و دستیابی به نتایج نزدیک‌تر به اهداف در نظر گرفته شده باشد.

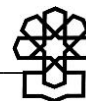
- **بسط ارزیابی و نظارت در همه ارکان و فعالیت‌های نظام آموزش عالی:** موضوع ارزیابی و نظارت محدود به کارکردهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی نبوده و علاوه بر آن می‌تواند شامل نظارت حقوقی (اینکه آیا دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی با عملکرد خود موجب نقض قوانین شده‌اند)؛ نظارت بر چگونگی مدیریت کارکنان، مدیریت اقتصادی، بودجه (آیا اقدامات انجام شده از نظر اقتصادی کارآمد بوده و آیا اهداف محقق شده‌اند؟) نیز شود. از سوی دیگر در اغلب نظام‌های آموزش عالی آژانس‌های مختلفی به امر ارزیابی دانشگاه‌ها می‌پردازند، اما در نهایت یک نهاد مسئولیت اصلی ارزیابی و تضمین کیفیت را برعهده دارد که عملکرد آژانس‌ها را نیز تأیید یا رد می‌کند.

- **استفاده از نتایج ارزیابی‌ها جهت تخصیص منابع:** نتایج ارزیابی‌های صورت گرفته از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی اغلب به‌عنوان مبنایی برای تخصیص منابع به آنها در نظر گرفته می‌شود که این مهم نشان‌دهنده کارکرد بی‌بدیل نهاد ارزیابی در نظام‌های آموزش عالی است و می‌توان گفت یکی از حلقه‌های مفقوده در نظام حکمرانی آموزش عالی ایران نبود نهاد ارزیابی و تضمین کیفیت است که بازخورد لازم از چگونگی عملکرد آن را در اختیار سیاستگذاران و تصمیم‌گیران قرار دهد.

- **تخصیص بودجه از طریق دستگاه‌ها یا نهادهای واسط:** روش‌های بودجه‌ریزی در آموزش عالی می‌تواند متنوع باشد، یکی از شیوه‌ها، استفاده از ظرفیت همه نهادهایی است که به نوعی با فعالیت‌های حوزه آموزش عالی ارتباط دارند. این بدین معنی است که همه بودجه در اختیار یک یا دو وزارتخانه قرار نمی‌گیرد و بین همه وزارتخانه‌ها و نهادهای مرتبط و درگیر تقسیم می‌شود. مثال این مورد در گزارش حاضر، کشور فرانسه است، اما به‌منظور دستیابی به داده‌های قابل اتکا می‌توان این نوع از بودجه‌ریزی را در پژوهشی جداگانه مورد بررسی قرار داد.

- **تسهیل‌گری و تخصیص کامل درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها:** درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی بدون نیاز به رویه‌های معمول و توافق قبلی در اختیار آنها قرار می‌گیرد. در نظام آموزش عالی کشورمان این مهم به معنی لزوم تسهیل در تخصیص درآمدهای اختصاصی مراکز آموزشی و پژوهشی بوده و تخصیص کامل آن نیز می‌تواند مشوق آنها در کسب درآمدهای اختصاصی بیشتر در وضعیت کنونی باشد. از سوی دیگر تمرکز بر درآمدهای اختصاصی دانشگاه (اگر در راستای مأموریت آن نیز باشد) می‌تواند به پاسخ‌گویی بیشتر، بهره‌وری و نظارت بر عملکرد بهتر آنها منجر شود.

- **طراحی نظام ارزیابی و تضمین کیفیت متناسب با اهداف و مأموریت‌های آموزش عالی:** شاخص‌های ارزیابی چه در ارزیابی‌های فردی مانند ارتقای اعضای هیئت علمی، یا کفایت پژوهشی دانشجویان دکتری و چه در ارزیابی‌های مؤسسه‌ای می‌تواند هدایت‌کننده عملکرد افراد و مؤسسه‌ها باشد. بدین منظور با تنظیم دقیق و معطوف به هدف، نیاز و



مأموریت شاخص‌ها می‌توان گام بلندی در راستای ارتقای کارآمدی و بهره‌وری آنها (افراد و مؤسسه‌ها) برداشت. تأثیر نظام‌های رتبه‌بندی بر عملکرد دانشگاه‌ها در سطح کلان و بین‌الملل و همچنین آیین‌نامه ارتقا بر عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ایران مؤید این مهم است. بنابراین می‌توان گفت با طراحی یک نظام ارزیابی و تضمین کیفیت که دربردارنده شاخص‌های ارزیابی متناسب با اهداف و مأموریت‌های نظام آموزش عالی باشد، ابزار لازم برای سنجش و هدایتگری در این حوزه فراهم می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. بازرگان، عباس (۱۳۷۶). کیفیت و ارزیابی آن در آموزش عالی: نگاهی به تجربه‌های ملی و بین‌المللی، رهیافت، ۷ (۱۶).
۲. رضانی، سیده گل‌افروز؛ عزیزی، نعمت‌اله (۱۳۹۵). سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزش عالی استرالیا، کنگره ملی آموزش عالی ایران، تهران.
۳. لیاقت‌دار، محمدجواد؛ نیکخواه، محمد (۱۳۸۸). تحولات آموزش عالی چین: فرصت‌ها و چالش‌ها، نامه آموزش عالی، ۲ (۵).
۴. محمدی، رضا (۱۳۹۲). ضرورت استقرار نظام ارزشیابی تضمین کیفیت در دانشگاه آزاد اسلامی و ارائه مدل مناسب آن، پژوهش در نظام‌های آموزشی.
۵. محمدی، رضا؛ عارفی، محبوبه؛ بازرگان، عباس؛ پرداختچی، محمد حسن و فتحی‌واجارگاه، کورش (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی نظام‌های ممیزی کیفیت آموزش عالی در جهان (مفاهیم، معیارها، فرایندها)، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۶ (۱۸).
۶. مزینانی، علیرضا و آزاده، پویا (۱۳۹۷). نگاهی کلی به نظام آموزشی کشور چین، همایش جامعه علمی ایرانیان مقیم چین، بررسی فرایندها و دستاوردهای توسعه در چین.
۷. واتسون، سی (۱۳۷۸). کانادا، دایره‌المعارف آموزش عالی، جلد ۲، ترجمه هادی شیرازی بهشتی، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
8. Eckel, P. D., & King, J. E. (2004). An Overview of Higher Education in the United States: Diversity, Access and the Role of the Marketplace. American Council on Education.
9. Eurydice (2018). France, Higher Education Funding. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/higher-education-funding_en
10. Eurydice (2018). France, Quality Assurance in Higher Education. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/quality-assurance-higher-education_en
11. Eurydice (2018). Netherlands, Administration and Governance at Central and/or Regional Level. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/administration-and-governance-central-andor-regional-level-53_en
12. Eurydice (2018). Netherlands, Netherlands Overview. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/netherlands_en
13. Eurydice (2019). France, Organisation of the Education System and of its Structure. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/france/organisation-education-system-and-its-structure_en
14. Eurydice (2019). Germany, Administration and Governance at Central and Regional Level. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/administration-and-governance-central-andor-regional-level-31_en
15. Eurydice (2019). Germany, Higher Education Funding. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-funding-31_en

16. Eurydice (2019). Germany, National Qualification Framework. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/national-qualifications-framework-31_en
17. Eurydice (2019). Germany, Political, Social and Economic Background and Trends. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/political-social-and-economic-background-and-trends-31_en
18. Eurydice (2019). Netherlands, Quality Assurance in Higher Education. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/quality-assurance-higher-education-47_en
19. Eurydice (2019). United Kingdom – England, Higher Education Funding. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/higher-education-funding-93_en
20. Eurydice (2019). United Kingdom – England, Organisation and Governance. Available at: https://eacea.ec.europa.eu/national-policies/eurydice/content/organisation-and-governance-93_en
21. Grubb, W. N., Sweet, R., Gallagher, M., & Tuomi, O. (2009). OECD Reviews of Tertiary Education: Korea. *Paris, France: Organisation for Economic Co-operation and Development Retrieved from: <https://www.oecd.org/korea/38092630.pdf>*
22. Higher Education Bureau, Ministry of Education, Culture, Sports, Science and Technology. Higher Education in Japan.
23. Lee, J. K. (2000). The Administrative Structure and Systems of Korean Higher Education. *Higher Education Management*, 12(2).
24. Newby, H., Weko, T., Breneman, D., Johanneson, T., & Maassen, P. (2009). OECD Reviews of Tertiary Education: Japan. Retrieved from: <http://search.oecd.org/education/skills-beyond-school/42280329.pdf>
25. Sá, C. M (2017). Higher Education Systems and Institutions: Canada. *The Encyclopedia of International Higher Education Systems and Institutions*.
26. Teixeira, P., Shin, J. C., Amaral, A., Bernasconi, A., Balbachevsky, E., Choi, E., ... & Yang, R. (2017). *The Encyclopedia of International Higher Education Systems and Institutions*.
27. OECD (2020), *Resourcing Higher Education: Challenges, Choices and Consequ Education*, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/735e1f44-en>.
28. Michalski, B., Kołodziej, G., & Piasecka, A. (2012). Organizafion and Funcfioning of South Korean Higher Educafion System. Is the 21st Century the age of Asia.